

۲	بخش اول.....
۲۰	بخش دوم.....
۲۱	بخش سوم.....
۳۴	بخش چهارم.....
۵۱	بخش پنجم.....

بخش اول

Slow Food.

اسلو فود.

U gaat luisteren naar een tekst over Slow Food.

شما قرار است به متنی درباره‌ی اسلو فود گوش دهید.

Andrea van Gemst is voorzitter van de stichting Slow Food Nederland.

آندریا فان ځمست رئیس بنیاد اسلو فود هلند است.

Ze wordt enkele dagen na een congres in Wageningen van die organisatie geïnterviewd in het programma Newshow.

چند روز پس از برگزاری یک کنگره در واخنینگن، او در برنامه‌ی Newshow از طرف این سازمان مورد مصاحبه قرار می‌گیرد.

In Wageningen is een universiteit die wereldwijd bekend is om onderzoek op het gebied van voedseltechnologie.

در واخنینگن دانشگاهی وجود دارد که در سطح جهانی به‌خاطر تحقیقات در زمینه‌ی فناوری مواد غذایی مشهور است.

In het inleidende geluidsfragment wordt Andrea van Gemst door de interviewster geïntroduceerd.

در بخش صوتی مقدماتی، آندریا فان ځمست توسط مصاحبه‌گر معرفی می‌شود.

Hier hoort nog geen vraag bij.

در این بخش هنوز سؤالی مطرح نمی‌شود.

Afgelopen donderdag vond aan de Wageningen Universiteit een congres plaats van de zogenaamde Slow Food Beweging.

پنج‌شنبه گذشته در دانشگاه واخنینگن، یک کنگره از جنبش موسوم به اسلو فود برگزار شد.

Deze beweging, die onder andere pleit voor de terugkeer van ambachtelijke gerechten op de eettafel en meer biodiversiteit,

این جنبش، که از جمله خواهان بازگشت غذاهای سنتی و دست‌ساز به سفره و همچنین افزایش تنوع زیستی است،

ontstond oorspronkelijk in Italië, maar kent sinds 1990 ook een Nederlandse tak.

در اصل در ایتالیا شکل گرفت، اما از سال ۱۹۹۰ نیز شاخه‌ای در هلند دارد.

Doel van het Wageningse congres was om te zien of er wellicht een samenwerking mogelijk is

هدف کنگره‌ی واخنینگن این بود که بررسی شود آیا امکان همکاری وجود دارد

tussen nieuwe technologische voedingsprocessen en het ambachtelijke eten van de Slow Foodies.

بین فرایندهای فناورانه‌ی نوین غذایی و غذای سنتی مورد نظر طرفداران اسلو فود.

Over de Slow Food Beweging en het congres gaan we praten met Andrea van Gemst.

درباره‌ی جنبش اسلو فود و این کنگره می‌خواهیم با آندریا فان خمست گفتگو کنیم.

Zij is voorzitter van de Stichting Slow Food Nederland.

او رئیس بنیاد اسلو فود هلند است.

Goedemorgen.

صبح به‌خیر.

Vraag 1 bij fragment 1

سؤال ۱ مربوط به بخش اول فایل صوتی

Vraag 1. De slowfood-beweging wil vink aan welke combinatie van letters de goede antwoorden weergeven:

جنبش اسلو فود می‌خواهد علامت بزن کدام ترکیب از حروف، پاسخ‌های درست را نشان می‌دهد:

a. dat mensen geen fastfood meer eten;

اینکه مردم دیگر فست‌فود نخورند

نادرست – مستقیم گفته نشد.

b. het recht om te genieten van eten en drinken verdedigen;

دفاع از حق لذت بردن از غذا و نوشیدنی

درست – به وضوح در فایل صوتی گفته شد.

c. meer biodiversiteit;

افزایش تنوع زیستی

درست – از اهداف جنبش است.

d. dat er wetten komen op het ambachtelijk produceren van voedsel;

ایجاد قوانین برای تولید سنتی غذا

نادرست – گفته نشد.

e. dat gerechten weer wat van de oorspronkelijke smaak terugkrijgen;

بازگرداندن طعم اصلی غذاها

درست – بر اهمیت طعم تأکید شد.

f. dat mensen niet bij supermarkten kopen;

اینکه مردم از سوپرمارکت خرید نکنند

نادرست – گفته نشد.

g. dat er meer aandacht komt voor de voedseltradities en eetcultuur;

توجه بیشتر به سنت‌های غذایی و فرهنگ خوردن

درست – به وضوح اشاره شد.

h. mensen kennis bijbrengen over gezond eten.

آموزش مردم درباره تغذیه سالم

درست – درباره انتقال دانش صحبت شد.

پاسخ صحیح: b, c, e, g, h

Vraag 2 bij fragment 1

سؤال ۲ مربوط به بخش اول فایل صوتی

Andrea van Gemst is voorzitter van de Stichting Slowfood Nederland.

Ze vertelt dat ze haar hele leven al bezig is met slowfood.

آندریا فان جمست رئیس بنیاد اسلو فود هلند است. او می‌گوید که تمام عمرش با اسلو فود مشغول بوده است.

Kies één van de twee antwoorden:

یکی از دو پاسخ زیر را انتخاب کنید:

• Dat is waar;

درست است؛

• Dat is niet waar;

درست نیست؛

Dat is niet waar:

پاسخ صحیح

ترجمه: درست نیست

چرا؟

آندریا در فایل صوتی گفت که از طریق مقاله‌ای در روزنامه de Volkskrant در هلند با اسلو فود آشنا شد و بعد با ایتالیا تماس گرفت.

او نگفت که از ابتدا یا تمام عمرش درگیر این جنبش بوده، بنابراین این ادعا نادرست است.

Goedemorgen.

صبح‌به‌خیر.

Ja, voordat we nou eens over dat congres gaan praten, toch maar eventjes, misschien even kort uitleggen wat dat nou inhoudt, die Slow Food Beweging.

بله، قبل از اینکه درباره‌ی آن کنگره صحبت کنیم، شاید بهتر باشد خیلی کوتاه توضیح دهیم که این جنبش اسلو فود دقیقاً چیست.

Ik denk toch niet dat iedereen dat nog precies weet.

فکر نمی‌کنم همه دقیقاً آن را بدانند.

Nee, dat kan ik me heel goed voorstellen.

نه، این را کاملاً می‌توانم تصور کنم.

Slow Food is een internationale beweging ter verdediging van het recht op genieten.

اسلو فود یک جنبش بین‌المللی برای دفاع از حق لذت بردن است.

En daar is het mee begonnen, het genieten, en in dit geval van eten en drinken.

و این جنبش با همین موضوع آغاز شد: لذت بردن — و در این مورد خاص، از غذا و نوشیدنی.

En ja, wij opereren wereldwijd en we hebben een aantal doelstellingen.

بله، ما در سطح جهانی فعالیت می‌کنیم و چندین هدف داریم.

Smaak is iets wat hoog in ons vaandel staat.

طعم چیزی است که برای ما در اولویت بالایی قرار دارد.

We willen graag dat dingen weer ergens naar smaken.

ما می‌خواهیم غذاها دوباره طعمی واقعی داشته باشند.

En ook allerlei voedseltradities, de cultuur die gepaard gaat met eten en drinken.

و همچنین انواع سنت‌های غذایی و فرهنگی که با خوردن و نوشیدن همراه است.

En de kennis die je daarbij nodig hebt, dat vinden wij belangrijke aspecten.

و دانشی که برای آن لازم است، این‌ها جنبه‌های مهمی هستند از نظر ما.

En dat is het doel om iedereen dus weer dat bij te brengen eigenlijk.

و هدف این است که این موضوعات را دوباره به همه آموزش بدهیم.

Nou ja, ik denk dat wel heel veel kennis inderdaad verloren is gegaan.

خب، فکر می‌کنم واقعاً مقدار زیادی از این دانش از بین رفته است.

Waar je dingen vroeger van vader op zoon en van moeder op dochter leerde.

دانشی که قبلاً از پدر به پسر و از مادر به دختر منتقل می‌شد.

Ja, dan gebeurt dat vandaag de dag niet meer.

بله، امروزه دیگر این اتفاق نمی‌افتد.

En ik moet heel eerlijk toegeven, ik wilde het zelf ook niet toen ik in de middelbare schoolleeftijd was.

و باید صادقانه اعتراف کنم، خودم هم وقتی در سن دبیرستان بودم، علاقه‌ای به یادگیری آن نداشتم.

Maar ik denk dat veel mensen zo van in de dertig of in de twintig absoluut niet meer weten wanneer het seizoen is voor bepaalde groenten,

اما فکر می‌کنم خیلی از افراد در دهه بیست یا سی زندگی‌شان اصلاً نمی‌دانند چه زمانی فصل برخی از سبزیجات است،

hoe je bepaalde dingen klaar moet maken.

یا چطور باید برخی غذاها را آماده کرد.

Kijk een kipfiletje, dat kan iedereen wel.

مثلاً یک فیله مرغ را همه بلدند درست کنند.

Maar als het ingewikkelder wordt...

اما وقتی کار پیچیده‌تر می‌شود...

Koken met een schaar, he, noemt ze dat?

به این می‌گویند آشپزی با قیچی، نه؟

Koken met een schaar.

آشپزی با قیچی.

Ja, gewoon een zakje openknippen en hupsakee.

بله، فقط یک بسته را با قیچی باز می‌کنی و تمام!

Ik zei net al in mijn inleiding, het is oorspronkelijk in Italië ontstaan, he, deze beweging.

همان‌طور که در مقدمه‌ام گفتم، این جنبش در اصل در ایتالیا شکل گرفته است.

Dat is aan de ene kant niet zo verwonderlijk, he, omdat Italië natuurlijk een enorme culinaire traditie heeft.

از یک طرف این موضوع چندان عجیب نیست، چون ایتالیا طبیعتاً سنت آشپزی عظیمی دارد.

Aan de andere kant weer wel, omdat je denkt van ja, daar doen ze het nog, he, op de goede manier.

اما از طرف دیگر، عجیب است چون آدم فکر می‌کند آنجا هنوز هم به شیوهی درست آشپزی می‌کنند.

Bent u ook in Italië ermee in aanraking gekomen?

آیا شما هم در ایتالیا با این موضوع آشنا شدید؟

Vraag 1 bij fragment 2

سؤال ۳ مربوط به بخش دوم فایل صوتی

Koken met de schaar is:

آشپزی با قیچی یعنی:

a. koken met recepten die uitgeknipt zijn uit kooktijdschriften;

الف. آشپزی با دستورهایی که از مجلات آشپزی بریده شده‌اند؛

b. eten bereiden met zakjes kant-en-klaar voedsel;

ب. آماده‌کردن غذا با بسته‌های غذای آماده یا نیمه‌آماده؛

c. koken met veel kruiden die uit eigen tuin geknipt zijn;

پ. آشپزی با مقدار زیادی سبزی یا گیاه دارویی که از باغچه‌ی خود بریده شده‌اند.

پاسخ صحیح:

b. eten bereiden met zakjes kant-en-klaar voedsel

ترجمه: ب. آماده‌کردن غذا با بسته‌های غذای نیمه‌آماده

چرا؟

در فایل صوتی گفته شد “gewoon een zakje openknippen en hupsakee” یعنی:

فقط بسته را با قیچی باز کن و تمام — که اشاره دارد به استفاده از غذاهای آماده و نه دستور غذا یا گیاهان تازه.

Vraag 2 bij fragment 2

سؤال ۴ مربوط به بخش دوم فایل صوتی

De slowfood-beweging is in Italië ontstaan. Dat is volgens de interviewster:

جنبش اسلو فود در ایتالیا شکل گرفته است. به گفته‌ی مصاحبه‌گر:

a. begrijpelijk, want Italië heeft een culinaire traditie;

الف. قابل درک است، چون ایتالیا یک سنت آشپزی غنی دارد؛

b. niet zo vanzelsprekend, want in Italië kookt men nog volgens de traditie;

ب. چندان هم بدیهی نیست، چون در ایتالیا مردم هنوز به روش سنتی آشپزی می‌کنند؛

c. zowel a. als b.

پ. هم الف و هم ب

c. zowel a. als b. : صحیح پاسخ

ترجمه: هم الف و هم ب

چرا؟

مصاحبه‌گر گفت که از یک طرف منطقی است چون ایتالیا سنت آشپزی دارد،

اما از طرف دیگر هم عجیب است، چون آن‌ها هنوز هم سنتی آشپزی می‌کنند — پس چرا اصلاً

چنین جنبشی در آنجا شکل گرفته؟

هر دو دیدگاه در فایل صوتی بیان شد.

Ik heb er ooit een stuk over gelezen in de Volkskrant in Nederland

من یکبار مقاله‌ای درباره‌ی آن در روزنامه فولکس‌کرانت در هلند خواندم

en toen ben ik met Italië gaan bellen en toen ging het heel snel.

و بعد با ایتالیا تماس گرفتم، و بعد همه چیز خیلی سریع پیش رفت.

Maar het is denk ik ook geen wonder dat het in Italië ontstaan is.

اما به نظرم اصلاً عجیب نیست که این جنبش در ایتالیا شکل گرفته باشد.

Ten eerste doen ze het daar inderdaad,

اولاً، آن‌ها واقعاً هنوز آن سبک آشپزی سنتی را انجام می‌دهند.

maar ten tweede waren ze daar nog net op tijd om een heleboel dingen te redden

و ثانیاً، آن‌ها هنوز به‌موقع بودند تا بسیاری چیزها را نجات دهند

die in Nederland eigenlijk al verloren waren gegaan.

چیزهایی که در هلند در واقع از قبل از بین رفته بودند.

Bij fragment 3 1 vraag

سؤال ۵ مربوط به بخش سوم فایل صوتی

Een belangrijk verschil tussen Nederland en Italië in eetcultuur is volgens Andrea van Gemst dat:

به گفته‌ی آندریا فانِ جِمست، یک تفاوت مهم میان فرهنگ غذایی هلند و ایتالیا این است که:

a. Italië een veel oudere culinaire traditie heeft;

الف. ایتالیا سنت آشپزی بسیار قدیمی‌تری دارد؛

b. Italië er op tijd was bij om allerlei dingen voor de ondergang te behoeden;

ب. ایتالیا به‌موقع توانست از نابودی بسیاری از چیزها جلوگیری کند؛

c. Italië veel meer de ingrediënten heeft die het eten smakelijk maken.

پ. ایتالیا مواد اولیه‌ی بیشتری دارد که غذا را خوشمزه‌تر می‌کند.

پاسخ صحیح :

b. Italië er op tijd was bij om allerlei dingen voor de ondergang te behoeden

ترجمه: ب. ایتالیا به‌موقع توانست از نابودی بسیاری از چیزها جلوگیری کند چرا؟

آندریا در فایل صوتی گفت که در هلند بسیاری از سنت‌های غذایی از بین رفته‌اند، اما در ایتالیا هنوز به‌موقع بودند تا آن‌ها را حفظ کنند. این تفاوت کلیدی میان دو کشور از دید او بود.

En hoe zijn zo'n voorbeelden?

و مثال‌هایی از این قبیل چیست؟

Nou, rauwmelkse kazen bijvoorbeeld.

خب، مثلاً پنیرهای تهیه‌شده از شیر خام.

Dus kazen die worden gemaakt van melk die niet gepasteuriseerd is.

یعنی پنیرهایی که از شیری تهیه می‌شوند که پاستوریزه نشده است.

Een kaas van rauwmelk die heeft veel meer smaak dan een kaas van melk die eerst gepasteuriseerd is.

پنیری که از شیر خام درست شده، طعم بسیار بیشتری دارد نسبت به پنیری که از شیر پاستوریزه درست شده است.

Want in dat proces van pasteuriseren gaat gewoon smaak verloren.

چون در فرآیند پاستوریزه کردن، طعم به سادگی از بین می رود.

En er is een klein gevaar bij rauwmelkse kazen, dat bacterieforming in optreedt.

و در مورد پنیرهای شیر خام، خطر کوچکی وجود دارد که ممکن است باکتری در آنها تشکیل شود.

Maar dat zie je eigenlijk met name in zachte kazen.

اما این مورد عمدتاً در پنیرهای نرم دیده می شود.

Nou, in Nederland kennen we nauwelijks zachte rauwmelkse kazen.

خب، در هلند ما تقریباً اصلاً پنیر نرم از شیر خام نداریم.

En zelfs daarin is het gevaar nog heel gering.

و حتی در همان موارد، خطر بسیار اندک است.

Maar je hoort ongeveer alle zwangere vrouwen in Nederland roepen, ik mag geen kaas eten.

اما تقریباً همه‌ی زنان باردار در هلند می گویند که نباید پنیر بخورند.

Nou, dat is eigenlijk bijna onzin.

خب، این واقعاً تقریباً بی معنی است.

Want in die harde kazen komt die bacterie niet eens voor.

چون در آن پنیرهای سفت، اصلاً آن باکتری وجود ندارد.

Dus dan is het gewoon verder naar de hoge schoot.

پس در این صورت، واقعاً بیش از حد اغراق آمیز است.

Dat schiet een beetje te ver door.

این واقعاً زیادی افراطی شده است.

En er is dus een taak mee gelegd voor de Slow Food Beweging om hier tegen in het geweer te komen.

و بنابراین وظیفه‌ای بر دوش جنبش اسلو فود گذاشته شده که با این موضوع مقابله کند.

Ja, klopt.

بله، درست است.

Nou, dat proberen we ook op alle mogelijke manieren te doen.

خب، ما هم سعی می کنیم با همه روش های ممکن این کار را انجام دهیم

Bij fragment 4 1 vraag

سؤال ۶ مربوط به بخش چهارم فایل صوتی

Zwangere vrouwen in Nederland vinden het eten van alle kaas vaak gevaarlijk omdat:

زنان باردار در هلند اغلب فکر می‌کنند که خوردن هر نوع پنیری خطرناک است، چون:

a. ze niet lijken te weten dat alleen het eten van bepaalde soorten zachte kazen een gevaar voor de zwangerschap kan opleveren;

الف. به نظر می‌رسد نمی‌دانند که فقط خوردن برخی از انواع خاص مثل پنیرهای نرم ممکن است برای بارداری خطر داشته باشد؛

b. de wetgever heeft aangegeven dat het eten van kaas voor hen gevaarlijk kan zijn;

ب. قانون‌گذار اعلام کرده که خوردن پنیر برای آن‌ها می‌تواند خطرناک باشد؛

c. er een groot reëel gevaar is bij het eten van Nederlandse kaas die bereid is uit ongepasteuriseerde melk.

پ. خطر واقعی و بزرگی در خوردن پنیرهای هلندی تهیه‌شده از شیر غیرپاستوریزه وجود دارد.
پاسخ صحیح :

a. ze niet lijken te weten dat alleen het eten van bepaalde soorten zachte kazen een gevaar voor de zwangerschap kan opleveren

ترجمه: الف. به نظر می‌رسد آن‌ها نمی‌دانند که فقط برخی پنیرهای خاص نرم ممکن است برای بارداری خطر داشته باشند
چرا؟

در فایل صوتی گفته شد که بسیاری از زنان باردار فکر می‌کنند نمی‌توانند هیچ پنیری بخورند، در حالی که فقط پنیرهای نرم و غیرپاستوریزه ممکن است مشکل‌ساز باشند.
در مورد گزینه‌های ب و پ چنین چیزی گفته نشد.

De strijd tegen de waterruggen tomaat? Nou, ook.

مبارزه با گوجه‌فرنگی‌های آبکی؟ خب، آن هم بله.

In de tijd dat wij begonnen met Slow Food werden onze tomaten teruggestuurd door Duitsland.

در زمانی که ما با اسلو فود شروع کردیم، گوجه‌فرنگی‌های ما از طرف آلمان برگشت داده می‌شدند.

Dat waren bassalbomben.

آن‌ها مثل بمب‌های پر از آب بودند بسیار آبکی و بی‌طعم.

En tegelijkertijd hoorde ik mensen uit de landbouw- en tuinbouwproductie in Nederland zeggen

و همزمان از افرادی در بخش کشاورزی و گلخانه‌داری در هلند شنیدم که می‌گفتند
aan de kwaliteit van onze groenten is niets meer te verbeteren.

در کیفیت سبزیجات ما دیگر چیزی برای بهبود وجود ندارد.

Wij moeten het in de diversiteit gaan zoeken.

ما باید به دنبال تنوع باشیم.

Dus niet alleen groene en gele paprika's en rode, maar ook paarse, witte, enzovoort.

پس نه فقط فلفل دلمه‌ای سبز، زرد و قرمز، بلکه بنفش، سفید و غیره.

En dan bedoelden zij dat we beter eigenlijk hygiënische kleurstellingen houden.

و آن‌ها منظورشان این بود که بهتر است رنگ‌ها مطابق استانداردهای بهداشتی باشد.

Ja, en dat het er mooi uit ziet in de winkel.

بله، و اینکه در فروشگاه زیبا به نظر برسد.

En de smaak was dus kennelijk ergens zonder raak.

و بنابراین، طعم غذاها ظاهراً جایی در این میان گم شده بود.

Is dat het eigenlijk?

واقعاً همین‌طور است؟

Dat denk ik wel, ja.

فکر می‌کنم بله، همین‌طور است.

Kijk, in de productie van groenten en fruit was in die tijd in ieder geval smaak blijkbaar absoluut niet belangrijk.

ببین، در تولید میوه و سبزی در آن زمان، طعم ظاهراً اصلاً اهمیتی نداشت.

Het tweede wat je ziet is dat de smaak van heel veel dingen steeds meer zich richt op de grootste gemene delen.

نکته‌ی دوم این است که طعم بسیاری از چیزها هرچه بیشتر به سمت سلیقه‌ی اکثریت میل پیدا کرده است.

Spruitjes en witloof, die waren ooit bitter.

جوانه‌ی کلم و کاسنی بلژیکی، زمانی تلخ بودند.

Maar ze worden steeds minder bitter omdat veel mensen niet van bitter houden.

اما آن‌ها به تدریج کمتر تلخ شدند چون بسیاری از مردم طعم تلخ را دوست ندارند.

Is dat erg?

آیا این چیز بدی است؟

Ja, dat kun je afvragen.

بله، این چیزی است که می‌توان درباره‌اش سؤال کرد.

Vraag 1 bij fragment 5

Welke beweringen zijn waar?

Nederlandse groentekwekers vonden dat Nederlandse groenten niet te verbeteren waren.

Opties:

a. terwijl de Duitse consumenten heel ontevreden waren over de kwaliteit van de Nederlandse tomaten;

درست است – در فایل صوتی گفته شد که گوجه‌فرنگی‌های هلندی به دلیل بی‌کیفیتی از سوی آلمان برگشت داده شدند.

b. en wilden dus hogere prijzen voor hun producten;

نادرست است – چنین چیزی در فایل صوتی گفته نشد.

c. zodat ze gingen proberen de productie te verhogen;

نادرست است – آن‌ها درباره افزایش تولید صحبت نکردند.

d. en gingen dus de diversiteit vergroten.

درست است – در متن گفته شد که باید به دنبال تنوع برویم مثل رنگ‌های مختلف فلفل‌دلمه‌ای.

Antwoord: a en d

پاسخ صحیح: الف و د

Vraag 2 bij fragment 5

Toen de Duitse consumenten de Nederlandse tomaten naar
Nederland terugstuurden...

وقتی مصرف‌کنندگان آلمانی گوجه‌فرنگی‌های هلندی را برگشت دادند...

Opties:

a. was men juist bezig de smaak te verbeteren;

الف. در آن زمان آن‌ها مشغول بهبود طعم بودند؛

نادرست – در فایل صوتی گفته شد که طعم در آن زمان اصلاً مهم تلقی نمی‌شد.

b. was smaak volgens Andrea van Gemst helemaal niet belangrijk;

ب. به گفته آندریا فان خمست، طعم اصلاً اهمیتی نداشت؛

درست – او تأکید کرد که در آن زمان طعم کاملاً نادیده گرفته می‌شد.

c. probeerden de groentekwekers de smaak zoveel mogelijk aan te
passen aan wat de meerderheid van de mensen lekker vond;

پ. تولیدکنندگان تلاش می‌کردند طعم را تا جای ممکن با سلیقه اکثریت تطبیق دهند؛

درست – مثلاً طعم تلخ جوانه‌کلم و کاسنی کاهش داده شد چون مردم از تلخی خوششان نمی‌آمد.

d. probeerden de groentekwekers hun groenten zoals spruitjes en lof
steeds meer volume te geven.

ت. تولیدکنندگان تلاش می‌کردند به سبزیجاتی مانند جوانه‌کلم و کاسنی بلژیکی حجم بیشتری بدهند؛

نادرست – درباره حجم صحبتی نشد، فقط درباره طعم صحبت شد.

Antwoord: b en c

پاسخ صحیح: ب و پ

Het is niet een elitair clubje, die Slowfoodbeweging.

جنبش اسلو فود یک باشگاه نخبه‌گرایانه نیست.

Wat is elitair?

اصلاً نخبه‌گرا یعنی چه؟

Ik zat ooit op een zelfstandig gymnasium en er was de eeuwige discussie, is het gymnasium elitair?

من یک‌زمانی در یک دبیرستان مستقل درس می‌خواندم و همیشه این بحث وجود داشت که آیا چنین دبیرستانی نخبه‌گرایانه است؟

Natuurlijk is het gymnasium elitair, maar dat wil niet zeggen dat je er alleen op kunt zitten als je van rijke ouders komt.

البته که چنین دبیرستانی نخبه‌گرایانه است، اما این به آن معنا نیست که فقط بچه‌های پولدار می‌توانند آنجا درس بخوانند.

Hetzelfde geldt voor Slowfood. Is dat elitair? Ja natuurlijk,

همین موضوع درباره اسلو فود هم صدق می‌کند. آیا آن نخبه‌گرایانه است؟ بله، قطعاً.

want je bent elitair als je op een of andere manier onderscheid van de massa.

چون اگر به هر طریقی از توده مردم متمایز باشی، نخبه‌گرا حساب می‌شوی.

Maar dat wil niet zeggen dat niet iedereen het zou kunnen betalen.

اما این به آن معنا نیست که همه نتوانند آن را بخرند یا استفاده کنند.

In de tijd dat ik student was, koos ik ervoor om bepaalde dingen te laten om wel lekker te kunnen eten.

وقتی دانشجوی بودم، تصمیم گرفتم از برخی چیزها صرف‌نظر کنم تا بتوانم غذای خوشمزه بخورم.

Want wie kan lid worden?

چه کسانی می‌توانند عضو شوند؟

Heel divers, met name consumenten, dus mensen die net als ik gewoon van lekker eten houden.

گروهی بسیار متنوع، به‌ویژه مصرف‌کنندگان، یعنی کسانی که مثل من صرفاً از غذا خوردن لذت می‌برند.

In toenemende mate ook wel wat mensen uit de horeca en ook producenten.

همچنین تعداد روبه‌افزایشی از افراد شاغل در صنعت رستوران‌داری و نیز تولیدکنندگان غذا.

Maar dat gaat van mensen die een taxi-onderneming hebben, tot artsen en alles wat er tussenin zit.

اما اعضا شامل افرادی هستند از کسانی که تاکسی دارند تا پزشکان، و هر کسی بین این دو. بسیار خوب! حالا به سراغ:

Vraag 1 bij fragment 6 vraag 9

Andrea van Gemst denkt ook wel dat de Slowfoodbeweging elitair is
آندریا فان جمست نیز فکر می‌کند که جنبش اسلو فود تا حدی نخبه‌گرایانه است.

maak één keuze welke letters de juiste antwoorden weergeven

ک گزینه را انتخاب کن که حروف پاسخ‌های درست را نشان دهد

a. in de zin van dat je je als lid van de beweging onderscheidt van de massa;

الف. به این معنا که به عنوان عضو این جنبش، از توده مردم متمایز می‌شوی؛
درست

b. maar vindt dat niet belangrijk;

ب. اما او این را مهم نمی‌داند؛

نادرست – او درباره‌ی اهمیت یا بی‌اهمیتی چیزی نگفت، فقط توضیح داد نخبه‌گرایی یعنی تمایز.

c. maar meent dat toch slowfood voor iedereen betaalbaar is.

پ. اما معتقد است که اسلو فود همچنان برای همه قابل پرداخت است؛
درست

Antwoord op vraag 9: a en c

Vraag 2 bij fragment 6 vraag 10

Werkers in de horeca zijn in de meerderheid in de Slowfood-beweging

کارکنان صنعت رستوران‌داری horeca اکثریت اعضای جنبش اسلو فود را تشکیل می‌دهند.

Dat is waar

درست است

Dat is niet waar

نادرست است

پاسخ صحیح – Dat is niet waar: چون آندریا گفت که بیشتر اعضا مصرف‌کنندگان عادی هستند، و فقط بخشی از اعضا از حوزه horeca و تولیدکنندگان اند.

Ik heb wel eens in verbijstering achter iemand gestaan bij een redelijk chique slager

یکبار با حیرت پشت سر کسی در یک قصابی نسبتاً شیک ایستاده بودم

die dan iemand een soort parmezaanse ham aanreikte.

که داشت نوعی ژامبون پارمیسانی به کسی می‌داد.

Ja, of een tweehondje, hij wilde ook wat tweehonds maken.

بله، یا یک "دویست گرمی"، او هم می‌خواست دویست گرم از آن داشته باشد.

Dat bleek dan dus om een bedrag te gaan van meer dan 10 euro
gewoon voor een hondje.

و معلوم شد که قیمت صد گرمش بیش از ۱۰ یورو بود.

Wat het probleem is voor heel veel van die producenten die dit soort
producten maken,

مشکلی که برای بسیاری از تولیدکنندگان این نوع محصولات وجود دارد،

bijvoorbeeld, nou, rauwmelkse kaas hebben we het over gehad, maar
ook vleeswaren en dergelijke,

مثلاً پنیر شیر خام که قبلاً درباره‌اش صحبت کردیم، اما همچنین محصولات گوشتی و امثال آن،
is dat je inderdaad wel een economische basis moet zien te krijgen.

این است که باید حتماً یک پایه اقتصادی پایدار برای کارشان فراهم کنند.

En wij hebben een aantal jaren geleden verboden diners gehouden.

و ما چند سال پیش شام‌هایی موسوم به "شام‌های ممنوعه" برگزار کردیم.

Het was een soort van ludiek en smakelijk protest tegen
smaakvervlakking.

این‌ها نوعی اعتراض طنزآمیز و خوشمزه بودند علیه یکنواختی طعم‌ها.

Waarbij mensen hebben laten proberen, kijk, zulke normale dingen
gaan nou verloren

که در آن به مردم نشان داده می‌شد که ببینید، همین چیزهای ساده هم ممکن است از بین بروند
als je die hygiënewetgeving te ver doorvoert.

اگر قوانین بهداشتی را بیش از حد سخت‌گیرانه اجرا کنید.

En wij zijn niet tegen hygiënewetgeving, het is heel goed dat die er is,

و ما با قوانین بهداشتی مخالف نیستیم، خیلی هم خوب است که وجود دارند،

maar door die strengere regelgeving gaan er steeds meer smaken
verloren.

اما به خاطر آن قوانین سخت‌گیرانه، طعم‌های زیادی از بین می‌روند.

En een klein boertje dat ergens op een Alpenweide zit in de zomer in
zijn eentje met zijn koeien en daar kaas maakt,

و یک کشاورز کوچک که در تابستان در یک چراگاه آلپی تنها با گاوهایش است و آنجا پنیر
درست می‌کند،

ik vind het persoonlijk een beetje onzinnig

به‌نظر من واقعاً کمی بی‌معناست

dat hij zijn productieruimte van onder tot boven zou moeten betegelen

که او باید فضای تولیدش را از بالا تا پایین کاشی‌کاری کند
en een dames en heren toilet zou moeten aanpakken.
و حتی باید یک دستشویی زنانه و مردانه نصب کند.

Nou ja, voor die koeien.

خب بله، انگار برای گاوها! با لحن طنز
Op die manier zijn ook alle viswinkels uit de Amsterdamse
binnenstad verdwenen.

به همین روش، تمام ماهی‌فروشی‌ها از مرکز شهر آمستردام ناپدید شدند.
Omdat er dus eisen aangesteld worden die gewoon niet haalbaar zijn
op die plek waar zo iemand zit.

چون الزاماتی گذاشته شده‌اند که در جایی که آن‌ها کار می‌کنند اصلاً قابل اجرا نیستند.
عالی، برویم سراغ:

Vraag 11 bij fragment 7

'Verboden diners'...

شام‌های ممنوعه...

maak één keuze welke letters de juiste antwoorden weergeven

یک گزینه را انتخاب کن که حروف پاسخ‌های درست را نشان دهد

a. waren een ludiek en smakelijk protest tegen de hoge prijzen voor
'slowfood';

الف. نوعی اعتراض طنزآمیز و خوشمزه علیه قیمت بالای اسلو فود بودند؛
نادرست – صحبت درباره قیمت نبود.

b. waren een protest tegen hygiënewetgeving in de voedselindustrie;

ب. اعتراضی علیه قوانین بهداشتی در صنعت غذا بودند؛
نادرست – آن‌ها مخالف اصل قوانین نبودند، بلکه با افراط در آن مخالف بودند.

c. zetten zich af tegen de te ver doorgeschoten regelgeving met
betrekking tot voedingswaren.

پ. موضع‌گیری علیه اجرای بیش‌ازحد سخت‌گیرانه مقررات مربوط به مواد غذایی بودند؛
درست – دقیقاً همان چیزی است که در فایل صوتی گفته شد.

Ik heb juist het gevoel dat de haken zo op elkaar staan.

هستند مرتبط هم به موضوع دو این که کنم احساس دقیقاً من

Het leek ons een leuk idee,

به نظرمان ایده‌ی جالبی رسید،

Slow Food heeft afgelopen jaar een eigen universiteit opgericht in Italië.

جنبش اسلو فود سال گذشته یک دانشگاه مخصوص خودش را در ایتالیا تأسیس کرد.

Universiteit voor Gastronomische Wetenschappen,

دانشگاه علوم خوراکناسی گاسترونومی،

die natuurlijk heel erg op de Slow Food-lijn zitten.

که کاملاً همراستا با خطمشی جنبش اسلو فود است.

Om nou eens een keer samen met Wageningen, dat inderdaad het imago heeft van high-tech, te doen.

تا یک بار هم با واخننگن همکاری کنند، جایی که واقعاً تصویری از فناوری پیشرفته دارد.

En te kijken van, is dat nou werkelijk zo'n grote tegenstelling als wij denken?

و بررسی کنند که آیا واقعاً این دو موضوع فناوری و سنت این قدر متضاد هستند که فکر می‌کنیم؟

Of kun je ook op bepaalde manieren die wetenschap inzetten om die ambachtelijkheid te kunnen behouden?

یا اینکه می‌شود از علم به شکلی استفاده کرد که بتوان سنت‌گرایی غذای دست‌ساز را حفظ کرد؟

Nou, zo hoorde ik bijvoorbeeld als resultaat van een van de workshops die in de middag er waren.

خب، من شنیدم که در یکی از ورکشاپ‌های بعدازظهر، چنین نتیجه‌ای مطرح شد:

Er wordt door een iemand die doet pogingen om een zachte rauwmelkse kaas te maken.

یک نفر در حال تلاش است تا پنیر نرم از شیر خام تولید کند.

Nou, ik zei net, dan heb je de kans op die Listeria bacteriën.

همان‌طور که گفتم، در این مورد احتمال وجود باکتری لیستریا وجود دارد.

En er wordt dus gekeken van, hey, kunnen we iets met die kaas doen,

و بررسی می‌شود که آیا می‌شود کاری کرد با آن پنیر

waardoor de smaak verder niet aangetast wordt, maar je dat risico elimineert.

به‌طوری‌که طعم آن آسیب نبیند، اما خطر لیستریا حذف شود.

En dat zou natuurlijk erg leuk zijn.

و البته این خیلی عالی خواهد بود.

Dus dat je die voedseltechnologie gebruikt om dat ambachtelijk eten te kunnen behouden.

یعنی اینکه از فناوری غذایی استفاده شود تا بتوان غذای سنتی را حفظ کرد.

عالی! برویم سراغ:

Vraag 12 bij fragment 8

Technologische voedingsprocessen en ambachtelijk eten zijn voor de 'slowfoodies' strijdig met elkaar

فرآیندهای فناورانه‌ی غذایی و غذاهای سنتی، برای طرفداران اسلو فود Slowfoodies ، با یکدیگر در تضاد هستند.

Opties:

• Dat is waar

درست است

• Dat is niet waar

درست نیست

Antwoord: Dat is niet waar

پاسخ صحیح: درست نیست
چرا؟

می فناوری و علم آیا که است این بررسی کنگره اهداف از یکی که شد گفته وضوح به متن در این هدف که شد آورده خام شیر از نرم پنیر از مثالی حتی. کنند کمک سنتی غذای حفظ به توانند تواندمی بلکه نیستند، تضاد در دو این پس. شود حذف لیستریا خطر ولی شود حفظ طعمش بود. باشند افزاهم

Je moet kwaliteit leren herkennen en dat is best erg lastig.

تو باید یاد بگیری کیفیت را تشخیص دهی، و این واقعاً کار سختی است.

We hebben in het verleden ook wel heel veel workshops en cursussen gegeven van hoe kun je nou kwaliteit herkennen.

ما در گذشته کارگاه‌ها و دوره‌های زیادی برگزار کرده‌ایم درباره اینکه چگونه می‌توان کیفیت را تشخیص داد.

Bij groenten is het bijvoorbeeld van belang om te weten of ze in het seizoen zijn of niet.

برای سبزیجات، مثلاً مهم است بدانید که آیا آن‌ها در فصل خودشان هستند یا نه.

Komen ze van de volle grond?

آیا از زمین کشاورزی فضای باز آمده‌اند؟

Komen ze uit de kassen?

آیا از گلخانه آمده‌اند؟

Zijn ze vervoerd voordat ze hier kwamen?

آیا پیش از رسیدن به اینجا حمل‌ونقل طولانی داشته‌اند؟

Liggen ze al maanden in de koelcel?

آیا این سبزیجات ماه‌ها در سردخانه مانده‌اند؟

Ik denk toch niet dat er iemand bij die supermarkt is die deze vragen kan beantwoorden.

فکر نمی‌کنم کسی در آن سوپرمارکت باشد که بتواند به این سوالات پاسخ دهد.

Dat klopt. Dat is ook mijn eigen ervaring.

درست است. این تجربه خود من هم هست.

En ik moet ook heel eerlijk zeggen, persoonlijk kom ik zelden of nooit in een supermarkt.

و باید خیلی صادقانه بگویم، من شخصاً خیلی کم یا تقریباً هیچ‌وقت به سوپرمارکت نمی‌روم.

Dat betekent dat ik wat meer tijd spendeer.

این یعنی که من وقت بیشتری صرف می‌کنم برای تهیه غذا.

Maar je gaat zelf ook bedenken dat aardbeien in juni beter zijn dan in februari.

اما آدم خودش هم می‌تواند بفهمد که توت‌فرنگی در ژوئن بهتر است تا در فوریه.

Je moet gewoon je boerenverstand eens aanspreken. Dat soort dingen.

تو فقط باید از عقل سلیمات استفاده کنی. از این چیزها.

Ik neem me steeds meer aandacht. Het zijn dingen die zijn eindeloos vervoerd.

من به این چیزها توجه بیشتری نشان می‌دهم. بعضی از این محصولات مسیر طولانی‌ای طی کرده‌اند.

We moeten het er nu mee ophouden, want we hebben geen tijd meer.

ما باید حالا صحبت را تمام کنیم، چون دیگر زمانی نداریم.

Ik denk dat iedereen die zich bezig houdt met wat we bij de stichting hebben, kan alle vragen beantwoord worden.

فکر می‌کنم هر کسی که با بنیاد ما درگیر است، می‌تواند پاسخ همه پرسش‌ها را بیابد.

Hartelijk dank. Op site zie je alles.

بسیار متشکرم. همه چیز را در وبسایت خواهید یافت.

Dit is Andrea van Geemst, hoor ik? Voorzitter van de stichting Slow Food Nederland.

این صدای آندریا فان خمست است؟ رئیس بنیاد اسلو فود هلند.
عالی! برویم سراغ:

Vraag 13 bij fragment 9 laatste vraag

Kwaliteit leren herkennen, vindt Andrea, is lastig...

تشخیص کیفیت، به‌نظر آندریا، کار دشواری است...

maak één keuze welke letters de juiste antwoorden weergeven

یک گزینه را انتخاب کن که حروف پاسخ‌های درست را نشان دهد

a. en daar heb je een cursus voor nodig;

الف. و برای آن نیاز به یک دوره آموزشی داری؛

درست – گفته شد که آن‌ها کارگاه‌ها و دوره‌هایی برای یادگیری تشخیص کیفیت برگزار کرده‌اند.

b. maar in een cursus kun je bijvoorbeeld leren erop te letten of je groenten koopt van dat seizoen;

ب. اما در یک دوره می‌توانی یاد بگیری مثلاً توجه کنی که آیا سبزیجات مربوط به فصل هستند یا نه؛

درست – آندریا دقیقاً به این نکته اشاره کرد.

c. en dat is zelfs onmogelijk in de supermarkt.

پ. و این حتی در سوپرمارکت غیرممکن است؛

نادرست – او گفت که در سوپرمارکت کسی نیست که جواب بدهد، اما نگفت که غیرممکن است.

Antwoord op vraag 13: a en b

بخش دوم

Nederlands naar perfectie

1. Vraag: Hoeveel mensen spreken Nederlands als eerste taal?

سؤال: چند نفر زبان مادری‌شان هلندی است؟

Verbeterd antwoord: Ongeveer 24 miljoen mensen binnen de EU en 300.000 mensen daarbuiten, voornamelijk in Suriname, Aruba en Curaçao.

پاسخ بهبود یافته: حدود ۲۴ میلیون نفر در اتحادیه اروپا و ۳۰۰ هزار نفر در خارج از آن، عمدتاً در سورینام، آروبا و کوراسائو، زبان مادری‌شان هلندی است.

2. Vraag: In welke vier landen wordt het Nederlands het meest gesproken?

سؤال: در کدام چهار کشور بیشترین میزان هلندی صحبت می‌شود؟

Verbeterd antwoord: Nederland, België, Suriname en Aruba.

پاسخ: هلند، بلژیک، سورینام و آروبا.

3. Vraag: Welke positie neemt het Nederlands in op wereldniveau qua aantal sprekers?

سؤال: زبان هلندی از نظر تعداد گویشوران در سطح جهان چه جایگاهی دارد؟

Verbeterd antwoord: Nederlands staat op de 37e plaats wereldwijd wat betreft het aantal moedertaalsprekers.

پاسخ: هلندی از نظر تعداد گویشوران بومی در جهان در جایگاه سی‌وهفتم قرار دارد.

4. Vraag: Welke andere taal heeft in Nederland een officiële status naast het Nederlands?

سؤال: کدام زبان دیگر در کنار هلندی در کشور هلند وضعیت رسمی دارد؟

Verbeterd antwoord: Het Fries, dat officieel erkend is in de provincie Friesland.

پاسخ: زبان فریزی، که در استان فریسلاند به طور رسمی به رسمیت شناخته شده است.

5. Vraag: Welke relatie heeft het Afrikaans met het Nederlands?

سؤال: زبان آفریکانس چه ارتباطی با زبان هلندی دارد؟

Verbeterd antwoord: Het Afrikaans is een dochtertaal van het Nederlands en is gebaseerd op het 17e-eeuwse Nederlands.

پاسخ: آفریکانس یک زبان منشعب از هلندی است و بر پایه هلندی قرن هفدهم شکل گرفته است.

6. Vraag: Wat is het Groene Boekje?

سؤال: کتاب سبز چیست؟

Verbeterd antwoord: Het Groene Boekje is de officiële Woordenlijst van de Nederlandse Taal, waarin de correcte spelling van Nederlandse woorden volgens de Spellingwet is vastgelegd.

پاسخ: کتاب سبز، فهرست رسمی واژگان زبان هلندی است که در آن املاهای صحیح واژه‌ها طبق قانون املا ثبت شده‌اند.

7. Vraag: Wanneer is de Nederlandse spelling voor het laatst aangepast?

سؤال: آخرین بار چه زمانی املا یا نگارش زبان هلندی تغییر کرد؟

Verbeterd antwoord: De laatste officiële spellingwijziging vond plaats in 2006.

پاسخ: آخرین تغییر رسمی در املا در سال ۲۰۰۶ صورت گرفت.

بخش سوم

8. Vraag: Kunnen Nederlanders elkaar begrijpen als ze dialect spreken?

سؤال: آیا هلندی‌ها هنگام صحبت به گویش‌های مختلف می‌توانند یکدیگر را بفهمند؟

Verbeterd antwoord: Dat verschilt per situatie. Hoe groter de afstand tussen dialecten, hoe moeilijker het onderlinge begrip wordt.

پاسخ: این بستگی به موقعیت دارد. هرچه فاصله بین گویش‌ها بیشتر باشد، فهم متقابل سخت‌تر می‌شود.



Gedragscode tolken

Van vluchtelingen die niet veilig zijn in eigen land tot specialistische kenniswerkers: de Immigratie- en Naturalisatiedienst (IND) beoordeelt alle verzoeken van mensen die in Nederland verblijf willen aanvragen of die Nederlander willen worden.

Dat doen we zorgvuldig, want ons werk doet ertoe. Binnen dit werk bent u als tolk een belangrijke schakel.

Voor u ligt de 'Gedragscode tolken' van de Immigratie- en Naturalisatiedienst (IND) van het Ministerie van Justitie en Veiligheid. In deze gedragscode zijn regels en verwachtingen vastgelegd die toezien op uw verrichtingen als tolk binnen de IND-procedures.

Deze Gedragscode is een aanvulling op de gedragscode voor tolken in het kader van de Wet beëdigde tolken en vertalers. Neemt u kennis van de inhoud van deze gedragscode en handel hiernaar. Mocht u één of meer van de artikelen in deze gedragscode overtreden, dan kan dit voor de IND aanleiding zijn om de aan u verstrekte Inpasbaarheidsverklaring (IPV) deels of geheel in te trekken.

Toegang locaties

1. Binnen alle overheidslocaties geldt een legitimatieplicht. Neem daarom altijd een geldig paspoort of identiteitskaart mee. Uw Wbtv-pas wordt niet als geldig legitimatiebewijs beschouwd.
2. Binnen de IND-locaties gelden specifieke huisregels. Deze huisregels zijn zichtbaar bij binnenkomst. Houdt u zich aan deze huisregels.
3. Bij aankomst op de locatie ontvangt u een bezoekerspas. Deze dient u zichtbaar te dragen. Na beëindiging van de tolkdienst levert u de pas in.
4. U houdt rekening met de tijd die nodig is voor de toegangprocedure van de locaties, zodat de tolkdienst op de overeengekomen aanvangstijd kan beginnen.

Integriteit

1. Voor het verrichten van tolkdiensten voor de IND is een Inpasbaarheidsverklaring IND (IPV) een vereiste. Op deze IPV staat vermeld in welke taal(variëteiten) u tolkdiensten kunt verrichten binnen onze procedures. De IND kan de IPV (per taal) intrekken. Intrekking van de IPV wordt gemeld bij het Bureau Wbtv en bij de intermediairs¹ met wie de IND samenwerkt.
2. U bent integer en van onbesproken gedrag. U heeft een Verklaring Omtrent het Gedrag (VOG) (profiel 80).
3. Voor de IND is het uitgangspunt dat u, uw familieleden in de eerste of tweede graad of anderen binnen uw directe kring van bekenden (vrienden en/of kennissen) geen banden hebben, of hebben gehad, met een regime waarmee vreemdelingen stellen problemen te hebben ondervonden. Indien deze banden wel bestaan of hebben bestaan, dan meldt u dit onmiddellijk bij de Senior Adviseur Tolkenzaken van de IND. Hierna zal worden onderzocht of de genoemde banden in de weg staan van verdere inzet als tolk voor de IND. Het niet melden van de genoemde banden kan eveneens consequenties hebben voor uw verdere inzet als tolk.
4. U neemt geen beloning, in welke vorm dan ook, aan van een partij voor wie u binnen de IND tolkdiensten verricht. Noch biedt u zelf, in welke vorm dan ook, een beloning aan. Wanneer u een beloning krijgt aangeboden, stelt u de Senior Adviseur Tolkenzaken daarvan direct op de hoogte.

5. U informeert de Senior Adviseur Tolkenzaken en de intermediair(s) bij wie u bent ingeschreven en met wie de IND samenwerkt onmiddellijk als u gedagvaard bent voor een misdrijf.

Tolkdiensten

1. In het rapport van gehoor van de IND wordt uw naam als tolk vastgelegd. Indien u dit niet wenst, neemt u hierover contact op met de Senior Adviseur Tolkenzaken.
2. Tijdens het uitvoeren van een tolkdienst heeft u uw mobiele telefoon gedempt of op trilstand staan. Het opnemen, raadplegen en/of beantwoorden van telefoontjes of e-mailberichten, ook van afnemers van uw diensten, doet u voornamelijk in de pauzes.
3. Bij het tolken op afstand wordt van u verlangd dat u tijdig op het telefoongesprek bent aangesloten dan wel ingelogd in het systeem, zodat de tolkdienst op de overeengekomen aanvangstijd kan beginnen. In de bevestiging van de tolkdienst leest u welk systeem u dient te gebruiken. In verband met informatieveiligheid is het niet toegestaan deze diensten vanuit het buitenland te verrichten. U dient hiervoor in Nederland te zijn.
4. De IND biedt een vreemdeling de mogelijkheid om een geluidsopname te maken van een gesprek met de IND. Bij het aanvragen van een tolkdienst wordt dit bij de intermediair en bij u kenbaar gemaakt. U maakt zelf de afweging of u deze tolkdienst aanneemt. Mocht tijdens het gehoor blijken dat de vreemdeling een opname maakt en is dit niet afgestemd, dan heeft u de mogelijkheid om de tolkdienst te stoppen. Meldt u dit aan de IND-medewerker en de intermediair bij wie u de opdracht heeft aangenomen. Alleen bij zwaarwegende redenen kan de IND-medewerker op uw verzoek een tegenopname maken. Deze opname blijft eigendom van de IND.
5. Voor, tijdens en na tolkdiensten kan aan u gevraagd worden om een à vue vertaling te verrichten.

Neutraliteit

1. Indien de vreemdeling voor wie u een tolkdienst gaat verrichten een familielid of bekende van u is, dan meldt u dit in het belang van de verlangde neutraliteit direct aan de IND-medewerker. Hij beoordeelt of het gesprek kan doorgaan. U hebt zelf ook het recht om de tolkdienst niet voort te zetten.
2. Buiten de tolkdienst zoekt of onderhoudt u op geen enkele wijze contact met de vreemdeling voor wie u als tolk optreedt of heeft opgetreden.
3. U verlaat de hoorkamer wanneer de IND-medewerker dit doet. U bent nooit alleen met de vreemdeling.
4. U onderhoudt geen relaties, bekleedt geen functies en verricht geen activiteiten die tot belangenverstrengeling kunnen leiden.
5. Bij gebruik van sociale media wordt van u verwacht dat u zich bewust bent van de neutrale houding die u als tolk in een zakelijke omgeving dient uit te stralen.

¹ Sinds 1 april 2023 werkt de IND samen met Global Talk, AVB en Acolad

Gedragcode tolken

آیین‌نامه رفتاری مترجمان شفاهی

Van vluchtelingen die niet veilig zijn in eigen land tot specialistische kenniswerkers: de Immigratie- en Naturalisatiedienst IND beoordeelt alle verzoeken van mensen die in Nederland verblijf willen aanvragen of die Nederlander willen worden.

از پناهندگانی که در کشور خود در امان نیستند تا نیروهای متخصص: اداره مهاجرت و تابعیت IND تمام درخواست‌های افرادی را که می‌خواهند در هلند اقامت بگیرند یا تابعیت هلندی بگیرند، بررسی می‌کند.

Dat doen we zorgvuldig, want ons werk doet ertoe.

ما این کار را با دقت انجام می‌دهیم، چون کار ما اهمیت دارد.

Binnen dit werk bent u als tolk een belangrijke schakel.

در این فرآیند، شما به عنوان مترجم شفاهی یک حلقه مهم و اساسی هستید.

:

Voor u ligt de 'Gedragcode tolken' van de Immigratie- en Naturalisatiedienst IND van het Ministerie van Justitie en Veiligheid.

در مقابل شما آیین‌نامه رفتاری مترجمان شفاهی متعلق به اداره مهاجرت و تابعیت IND از وزارت دادگستری و امنیت قرار دارد.

In deze gedragscode zijn regels en verwachtingen vastgelegd die toezien op uw verrichtingen als tolk binnen de IND-procedures.

در این آیین‌نامه، قوانین و انتظاراتی ثبت شده‌اند که بر عملکرد شما به عنوان مترجم شفاهی در روندهای IND نظارت دارند.

Deze Gedragcode is een aanvulling op de gedragscode voor tolken in het kader van de Wet beëdigde tolken en vertalers.

این آیین‌نامه مکمل آیین‌نامه رفتاری مترجمان شفاهی در چارچوب قانون مترجمان و مفسران رسمی است.

Neemt u kennis van de inhoud van deze gedragscode en handel hiernaar.

لطفاً با محتوای این آیین‌نامه آشنا شوید و مطابق آن عمل کنید.

Mocht u één of meer van de artikelen in deze gedragscode overtreden, dan kan dit voor de IND aanleiding zijn om de aan u verstrekte Inpasbaarheidsverklaring IPV deels of geheel in te trekken.

اگر شما یک یا چند مورد از مواد این آیین‌نامه را نقض کنید، این ممکن است برای IND دلیلی باشد تا گواهی صلاحیت همکاری IPV اعطا شده به شما را به صورت جزئی یا کامل لغو کند.

Toegang locaties

دسترسی به مکان‌ها

۱. Binnen alle overheidslocaties geldt een legitimatieplicht.

در تمام مکان‌های دولتی الزام به ارائه مدرک شناسایی وجود دارد.

Neem daarom altijd een geldig paspoort of identiteitskaart mee.

بنابراین، همیشه یک گذرنامه یا کارت شناسایی معتبر همراه داشته باشید.

Uw Wbtv-pas wordt niet als geldig legitimatiebewijs beschouwd.

کارت Wbtv شما به عنوان مدرک شناسایی معتبر پذیرفته نمی‌شود.

۲. Binnen de IND-locaties gelden specifieke huisregels.

در مکان‌های متعلق به IND، مقررات داخلی خاصی اعمال می‌شود.

Deze huisregels zijn zichtbaar bij binnenkomst. Houdt u zich aan deze huisregels.

این مقررات هنگام ورود قابل مشاهده‌اند. لطفاً به این قوانین پایبند باشید.

۳. Bij aankomst op de locatie ontvangt u een bezoekerspas.

هنگام ورود به محل، یک کارت بازدید دریافت می‌کنید.

Deze dient u zichtbaar te dragen. Na beëindiging van de tolkdienst levert u de pas in.

این کارت باید به‌طور قابل‌دید همراه شما باشد. پس از پایان خدمت ترجمه، کارت را تحویل دهید.

۴. U houdt rekening met de tijd die nodig is voor de toegangprocedure van de locaties, zodat de tolkdienst op de overeengekomen aanvangstijd kan beginnen.

شما باید زمان مورد نیاز برای طی مراحل ورود به محل را در نظر بگیرید، تا خدمات ترجمه در زمان توافق‌شده آغاز شود.

Integriteit

درستی و صداقت

۱. Voor het verrichten van tolkdiensten voor de IND is een Inpasbaarheidsverklaring IND IPV een vereiste.

برای انجام خدمات ترجمه برای IND، داشتن گواهی صلاحیت همکاری با IND IPV الزامی است.

Op deze IPV staat vermeld in welke taalvariëteiten u tolkdiensten kunt verrichten binnen onze procedures.

در این گواهی مشخص شده که شما در کدام زبان و گونه‌های زبانی می‌توانید در چارچوب رویه‌های ما خدمات ترجمه ارائه دهید.

De IND kan de IPV per taal intrekken.

IND می‌تواند این گواهی را برای هر زبان لغو کند.

Intrekking van de IPV wordt gemeld bij het Bureau Wbtv en bij de intermediairs met wie de IND samenwerkt.

لغو این گواهی به اداره Wbtv و همچنین به واسطه‌هایی که IND با آن‌ها همکاری دارد، گزارش می‌شود.

۲. U bent integer en van onbesproken gedrag.

شما باید فردی درستکار و دارای رفتار قابل قبول باشید.

U heeft een Verklaring Omtrent het Gedrag VOG profiel 80.

شما باید دارای گواهی عدم سوءپیشینه VOG با پروفایل ۸۰ باشید.

۳. Voor de IND is het uitgangspunt dat u, uw familieleden in de eerste of tweede graad of anderen binnen uw directe kring van bekenden vrienden en/of kennissen geen banden hebben, of hebben gehad, met een regime waarmee vreemdelingen stellen problemen te hebben ondervonden.

برای IND اصل بر این است که شما، اعضای خانواده‌تان در درجه اول یا دوم، یا دیگر افراد نزدیک به شما دوستان و آشنایان هیچ‌گونه ارتباطی با رژیمی که اتباع خارجی مدعی مشکلاتی با آن هستند، نداشته‌اید و نداشته باشند.

Indien deze banden wel bestaan of hebben bestaan, dan meldt u dit onmiddellijk bij de Senior Adviseur Tolkenzaken van de IND.

در صورتی که چنین ارتباطاتی وجود دارد یا وجود داشته، شما باید فوراً این موضوع را به مشاور ارشد امور مترجمان IND اطلاع دهید.

Hierna zal worden onderzocht of de genoemde banden in de weg staan van verdere inzet als tolk voor de IND.

سپس بررسی خواهد شد که آیا این ارتباطات مانع ادامه فعالیت شما به عنوان مترجم برای IND هستند یا نه.

Het niet melden van de genoemde banden kan eveneens consequenties hebben voor uw verdere inzet als tolk.

عدم اطلاع‌رسانی در مورد این ارتباطات نیز می‌تواند پیامدهایی برای ادامه همکاری شما به عنوان مترجم به همراه داشته باشد.

۴. U neemt geen beloning, in welke vorm dan ook, aan van een partij voor wie u binnen de IND tolkdiensten verricht.

شما نباید هیچ‌گونه پاداش یا هدیه‌ای، به هر شکلی، از طرف شخصی که برای او در چارچوب IND خدمات ترجمه ارائه می‌دهید، دریافت کنید.

Noch biedt u zelf, in welke vorm dan ook, een beloning aan.

همچنین شما به هیچ وجه نباید خودتان پاداشی به کسی پیشنهاد دهید.

Wanneer u een beloning krijgt aangeboden, stelt u de Senior Adviseur Tolkenzaken daarvan direct op de hoogte.

اگر به شما پاداشی پیشنهاد شود، باید بلافاصله مشاور ارشد امور مترجمان را در جریان بگذارید.

U informeert de Senior Adviseur Tolkenzaken en de intermediairs bij wie u bent ingeschreven en met wie de IND samenwerkt onmiddellijk als u gedagvaard bent voor een misdrijf.

در صورتی که برای یک جرم احضار شوید، باید فوراً مشاور ارشد امور مترجمان و واسطه هایی که در آن‌ها ثبت‌نام کرده‌اید و با IND همکاری دارند را مطلع کنید

Tolkdiensten

خدمات ترجمه شفاهی

۱. In het rapport van gehoor van de IND wordt uw naam als tolk vastgelegd.

در گزارش مصاحبه‌ی IND، نام شما به عنوان مترجم ثبت می‌شود.

Indien u dit niet wenst, neemt u hierover contact op met de Senior Adviseur Tolkenzaken.

اگر نمی‌خواهید نام‌تان ثبت شود، در این باره با مشاور ارشد امور مترجمان تماس بگیرید.

۲. Tijdens het uitvoeren van een tolkdienst heeft u uw mobiele telefoon gedempt of op trilstand staan.

در حین انجام خدمات ترجمه، تلفن همراه شما باید بی‌صدا یا در حالت لرزش باشد.

Het opnemen, raadplegen en/of beantwoorden van telefoontjes of e-mailberichten, ook van afnemers van uw diensten, doet u voornamelijk in de pauzes.

پاسخ دادن، بررسی یا دریافت تماس‌ها یا ایمیل‌ها — حتی از سوی مشتریان خدماتتان — فقط باید عمدتاً در زمان‌های استراحت انجام شود.

۳. Bij het tolken op afstand wordt van u verlangd dat u tijdig op het telefoongesprek bent aangesloten dan wel ingelogd in het systeem, zodat de tolkdienst op de overeengekomen aanvangstijd kan beginnen.

در ترجمه از راه دور، از شما انتظار می‌رود که به‌موقع به تماس تلفنی وصل شده یا وارد سامانه شوید، تا خدمات ترجمه در زمان مقرر آغاز گردد.

In de bevestiging van de tolkdienst leest u welk systeem u dient te gebruiken.

در تأییدیه خدمت ترجمه مشخص شده است که باید از کدام سامانه استفاده کنید.

In verband met informatieveiligheid is het niet toegestaan deze diensten vanuit het buitenland te verrichten.

به دلیل مسائل امنیت اطلاعات، انجام این خدمات از خارج از کشور مجاز نیست.

U dient hiervoor in Nederland te zijn.

برای انجام این خدمات، باید در هلند باشید.

۴. De IND biedt een vreemdeling de mogelijkheid om een geluidsopname te maken van een gesprek met de IND.

IND این امکان را به یک تبعه خارجی می‌دهد که از گفت‌وگویش با IND صدای آن را ضبط کند.

Bij het aanvragen van een tolkdienst wordt dit bij de intermediair en bij u kenbaar gemaakt.

هنگام درخواست خدمت ترجمه، این موضوع به واسطه و به خود شما اطلاع داده می‌شود.

U maakt zelf de afweging of u deze tolkdienst aanneemt.

شما خودتان تصمیم می‌گیرید که آیا این خدمت را قبول کنید یا نه.

Mocht tijdens het gehoor blijken dat de vreemdeling een opname maakt en is dit niet afgestemd, dan heeft u de mogelijkheid om de tolkdienst te stoppen.

اگر در طول مصاحبه مشخص شود که فرد خارجی در حال ضبط است و این موضوع از قبل هماهنگ نشده، شما حق دارید خدمت ترجمه را متوقف کنید.

Meldt u dit aan de IND-medewerker en de intermediair bij wie u de opdracht heeft aangenomen.

این موضوع را به کارمند IND و واسطه‌ای که مأموریت را از او گرفته‌اید، اطلاع دهید.

Alleen bij zwaarwegende redenen kan de IND-medewerker op uw verzoek een tegenopname maken.

تنها در صورت وجود دلایل قوی و مهم، کارمند IND می‌تواند بنا بر درخواست شما یک ضبط صدای متقابل انجام دهد.

Deze opname blijft eigendom van de IND.

این ضبط در مالکیت IND باقی خواهد ماند.

۵. Voor, tijdens en na tolkdiensten kan aan u gevraagd worden om een à vue vertaling te verrichten.

قبل، حین و بعد از خدمات ترجمه ممکن است از شما خواسته شود که یک ترجمه آ ویو یعنی ترجمه شفاهی مستقیم از روی متن انجام دهید.

Neutraliteit

بی‌طرفی

۱. Als u een tolkdienst gaat verrichten en u twijfelt of dit in het belang van de IND is, beoordeelt u of het gesprek kan doorgaan.

اگر قصد دارید خدمات ترجمه انجام دهید و نسبت به اینکه این خدمت در راستای منافع IND است تردید دارید، شما باید خودتان ارزیابی کنید که آیا گفت‌وگو می‌تواند ادامه پیدا کند یا نه.

U hebt zelf ook het recht om de dienst niet voort te zetten.

شما خود نیز این حق را دارید که خدمت ترجمه را ادامه ندهید.

۲. Buiten de tolkdienst zoekt u op geen enkele wijze contact met de vreemdeling voor wie u als tolk optreedt of heeft opgetreden.

خارج از زمان خدمت ترجمه، شما به هیچ شکلی نباید با فرد خارجی که برای او ترجمه کرده‌اید یا می‌کنید، تماس برقرار کنید.

۳. U communiceert alleen met de vreemdeling wanneer de IND-medewerker dit doet.

شما فقط زمانی با فرد خارجی ارتباط برقرار می‌کنید که کارمند IND نیز این کار را انجام دهد.

۴. U onderhoudt geen relaties, bekleedt geen functies en verricht geen activiteiten die tot belangenverstrengeling kunnen leiden.

شما نباید هیچ‌گونه رابطه، سمت یا فعالیتی داشته باشید که باعث تضاد منافع شود.

۵. Bij gebruik van sociale media wordt van u verwacht dat u zich bewust bent van de neutrale houding die u als tolk in een zakelijke omgeving dient uit te stralen.

هنگام استفاده از رسانه‌های اجتماعی، از شما انتظار می‌رود که نسبت به جایگاه بی‌طرفی که باید به‌عنوان مترجم در یک محیط حرفه‌ای حفظ کنید، آگاه باشید و آن را رعایت کنید.

Vertrouwelijkheid

رازداری

۱. Van u verlangen wij volledige geheimhouding met betrekking tot alle betrokkenen bij een tolkdienst.

از شما انتظار می‌رود که رازداری کامل را نسبت به تمام افراد درگیر در خدمت ترجمه رعایت کنید.

Deze geheimhouding start vanaf het moment dat u zich heeft aangemeld bij de receptie/beveiliging van de locatie en heeft betrekking op alles wat aan u is toevertrouwd en ongeacht door wie dit is gedaan.

این رازداری از لحظه‌ای که شما در پذیرش یا بخش امنیت مکان حضور خود را اعلام می‌کنید آغاز می‌شود و شامل هر چیزی است که به شما سپرده شده، فارغ از اینکه چه کسی آن را گفته باشد.

Deze geheimhouding blijft ook gelden na afronding van de tolkdienst.

این رازداری پس از پایان خدمت ترجمه نیز همچنان معتبر است.

Onder geheimhouding valt onder meer dat u:

رازداری شامل موارد زیر نیز می‌شود که شما نباید:

a. kennis, contacten en informatie die u uit hoofde van uw werkzaamheden als tolk voor de IND verwerft, nooit te eigen bate of ten bate van derden benut;

الف. دانش، ارتباطات و اطلاعاتی که در چارچوب فعالیت به‌عنوان مترجم برای IND کسب می‌کنید را هرگز به نفع خود یا به نفع شخص ثالثی استفاده نکنید؛

b. de inhoud van een tolkdienst niet bespreekt met collega-tolken of derden;

ب. محتوای خدمات ترجمه را با مترجمان همکار یا افراد دیگر مطرح نکنید؛

c. geen tolkdiensten op afstand verricht in een openbare ruimte of in gezelschap van derden.

ج. خدمات ترجمه از راه دور را در مکان‌های عمومی یا در حضور دیگران انجام ندهید.

۲. De door u gemaakte notities dient u na afronding van het gesprek te verstrekken aan de IND-medewerker.

یادداشت‌هایی که هنگام گفت‌وگو برداشته‌اید باید پس از پایان جلسه به کارمند IND تحویل داده شوند.

Vanwege de privacygevoelige informatie mag u deze notities niet zelf houden.

به‌دلیل اطلاعات حساس مرتبط با حریم خصوصی، شما مجاز نیستید این یادداشت‌ها را نزد خود نگه دارید.

۳. Loopt u tijdens het uitvoeren van tolkdiensten tegen gewetensconflicten of problemen aan, neemt u dan contact op met een Senior Adviseur Tolkenzaken.

اگر هنگام انجام خدمات ترجمه با تضادهای وجدانی یا مشکلاتی روبه‌رو شدید، باید با مشاور ارشد امور مترجمان تماس بگیرید.

Vertolking

ترجمه شفاهی

۱. U bent als tolk geen gesprekspartner.

شما به‌عنوان مترجم، شریک گفت‌وگو مشارکت‌کننده در مکالمه نیستید.

۲. U verricht uw werk politiek neutraal, objectief, zorgvuldig en nauwgezet.

شما باید کار خود را به‌صورت بی‌طرفانه از نظر سیاسی، عینی، دقیق و با دقت کامل انجام دهید.

۳. U bent bekend met de IND-procedures en heeft kennis van de gebruikte terminologie.

شما با رویه‌های IND آشنا هستید و با اصطلاحات مورد استفاده در آن آشنایی دارید.

۴. U tolkt consecutief opvolgend en dus niet simultaan gelijktijdig en altijd in de “ik-vorm”.

شما باید ترجمه متوالی‌یابی انجام دهید، نه همزمان، و همیشه از شکل من در نقل‌قول‌ها استفاده کنید.

۵. U vertaalt niet samenvattend. U vertaalt alles wat wordt gezegd zonder weglatingen en toevoegingen, ook wanneer hetgeen de vreemdeling opmerkt geen reactie is op de vraag van de IND-medewerker of als de vreemdeling het woord rechtstreeks tot u richt.

شما نباید ترجمه خلاصه انجام دهید. شما باید هر آنچه گفته می‌شود را بدون حذف یا اضافه ترجمه کنید، حتی اگر گفته‌های تبعه خارجی پاسخ مستقیمی به سؤال کارمند IND نباشد یا مستقیماً خطاب به شما باشد.

۶. U beantwoordt geen vragen van een vreemdeling over uw afkomst, etniciteit of religie. Evenmin geeft u uw mening over de afkomst, etniciteit of religie van een vreemdeling, ook niet als u daar expliciet om gevraagd wordt.

شما به سؤالات تبعه خارجی درباره ملیت، قومیت یا دین خود پاسخ نمی‌دهید. همچنین نباید درباره ملیت، قومیت یا دین تبعه خارجی even—اگر به‌صراحت از شما پرسیده شود—نظر شخصی بدهید.

۱

۷. Een aangenomen tolkdienst voert u persoonlijk en in zijn geheel uit.

خدمت ترجمه‌ای که قبول کرده‌اید باید شخصاً و به‌طور کامل توسط خودتان انجام شود.

Als u de tolkdienst niet naar behoren kunt uitvoeren, bijvoorbeeld door het ontbreken van kennis van vaktermen of bij ziekte of vermoeidheid, wordt van u verwacht dat u deze stopt.

اگر نتوانید این خدمت را به‌درستی انجام دهید—برای مثال به‌دلیل نداشتن دانش اصطلاحات تخصصی، بیماری یا خستگی—انتظار می‌رود که آن را متوقف کنید.

U meldt dit aan de IND-medewerker en aan de intermediair bij wie u de tolkopdracht heeft aangenomen.

شما باید این موضوع را به کارمند IND و واسطه‌ای که از او این مأموریت را گرفته‌اید اطلاع دهید.

De IND-medewerker kan ook het initiatief nemen en de tolkdienst stoppen.

کارمند IND نیز می‌تواند خود تصمیم به توقف خدمت ترجمه بگیرد.

۸. Als de vreemdeling voor wie u als tolk wordt ingezet een andere taalvariëteit spreekt dan de taal waarvoor u bent geboekt, dan meldt u dit, ongeacht of u deze taalvariëteit beheerst, direct bij de IND-medewerker.

اگر تبعه‌ای که برای او ترجمه می‌کنید زبانی یا گونه زبانی متفاوت از آنچه برای آن استخدام شده اید صحبت کند، شما باید—صرف‌نظر از اینکه آن زبان را بلد هستید یا نه—فوراً این موضوع را به کارمند IND گزارش دهید.

In overleg met u wordt beoordeeld of het gesprek kan doorgaan.

در مشورت با شما بررسی می‌شود که آیا گفت‌وگو می‌تواند ادامه یابد یا نه.

۹. U draagt er zorg voor dat begrippen in een vertaling dezelfde betekenis houden.

شما باید اطمینان حاصل کنید که مفاهیم در ترجمه معنای اصلی خود را حفظ می‌کنند.

Als een uitspraak in de brontaal niet exact in de doeltaal vertaald kan worden, zoals een uitdrukking of gezegde, dan kunt u dit nader omschrijven.

اگر جمله‌ای در زبان مبدأ مانند اصطلاح یا ضرب‌المثل به‌طور دقیق قابل ترجمه به زبان مقصد نباشد، می‌توانید آن را به‌صورت توضیحی بیان کنید.

U meldt vervolgens zowel aan de vreemdeling als aan de IND-medewerker dat er sprake is van een omschrijving.

سپس باید هم به تبعه خارجی و هم به کارمند IND اطلاع دهید که شما در حال بیان یک تفسیر یا توضیح هستید، نه ترجمه دقیق واژه‌به‌واژه.

۱۰. Als u tijdens een gesprek de indruk krijgt dat er sprake is van een misverstand of onbegrip, bijvoorbeeld door cultuurverschillen, dan bespreekt u dit direct met de IND-medewerker, zodat het misverstand of het onbegrip verduidelijkt en weggenomen kan worden.

اگر در طول مکالمه احساس کردید که سوء تفاهم یا عدم درک متقابل وجود دارد—مثلاً به‌دلیل تفاوت فرهنگی—باید این موضوع را فوراً با کارمند IND در میان بگذارید تا ابهام برطرف شود.

Het is niet de bedoeling dat u uw persoonlijke mening uit of zich inhoudelijk bemoeit met het gesprek.

شما نباید نظر شخصی بدهید یا از نظر محتوایی در روند گفت‌وگو دخالت کنید.

۱۱. U bent zich bewust van een juiste omzetting van eigen namen vanuit een niet-Latijns schrift.

شما باید نسبت به تبدیل صحیح اسامی خاص از خط‌های غیر لاتین آگاهی داشته باشید.

Voor het omrekenen van data in een andere tijdrekening dan de Westerse Gregoriaanse jaartelling maakt u bij voorkeur gebruik van digitale dataconversie.

برای تبدیل تاریخ‌هایی که در گاه‌شمار غربی میلادی نیستند، ترجیحاً از ابزارهای دیجیتال تبدیل تاریخ استفاده کنید.

U vertolkt beide data.

شما باید هر دو تاریخ مبدأ و معادل آن در تقویم میلادی را بیان کنید.

Respect

احترام

۱. Tijdens uw werkzaamheden wordt u geconfronteerd met mensen van verschillende achtergrond, geaardheid en religie.

در طول فعالیت حرفه‌ای خود، با افرادی از پیشینه‌ها، گرایش‌ها و ادیان مختلف روبه‌رو خواهید شد.

Van u wordt een professionele en respectvolle houding verwacht jegens alle personen met wie u beroepsmatig in contact komt.

از شما انتظار می‌رود در برابر تمام افرادی که در چارچوب حرفه‌ای با آن‌ها در تماس هستید، رفتاری حرفه‌ای و محترمانه داشته باشید.

۲. U discrimineert niet op basis van etniciteit, religie, handicaps, geslacht, seksuele oriëntatie, genderidentiteit of om welke andere redenen dan ook.

شما نباید به هیچ عنوان بر اساس قومیت، مذهب، ناتوانی جسمی، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی یا هر دلیل دیگری تبعیض قائل شوید.

۳. U hebt oog voor de omstandigheid dat vreemdelingen mogelijk moeite hebben om zich te uiten over door hen ondervonden problemen, ook als deze in de persoonlijke levenssfeer liggen.

شما باید درک کنید که ممکن است اتباع خارجی در بیان مشکلاتی که تجربه کرده‌اند، حتی اگر مربوط به زندگی شخصی‌شان باشد، دچار دشواری شوند.

Door een open houding en genuanceerde woordkeuze levert u een positieve bijdrage aan de sfeer van het gesprek waarin u tolkt.

با داشتن رویکردی باز و انتخاب کلمات سنجیده، شما در ایجاد فضای مثبت در گفت‌وگویی که در آن ترجمه می‌کنید، نقش مثبتی خواهید داشت.

۴. U onthoudt zich van iedere vorm van ongewenste fysieke en verbale intimiteiten.

شما باید از هرگونه رفتار فیزیکی یا کلامی ناخوشایند و نامناسب خودداری کنید.

۵. U onthoudt zich tevens van iedere vorm van oneerlijke concurrentie en van iedere openbare aantasting van de reputatie of bekwaamheid van andere, al dan niet beëdigde, tolken en vertalers.

شما همچنین باید از هر گونه رقابت ناعادلانه و تخریب عمومی شهرت یا صلاحیت دیگر مترجمان رسمی یا غیررسمی خودداری کنید.

Klachten

شکایات

۱. Het kan voorkomen dat een vreemdeling of IND-medewerker een klacht indient over uw optreden als tolk.

ممکن است تبعه خارجی یا کارمند IND شکایتی درباره عملکرد شما به عنوان مترجم ارائه دهد.

De Senior Adviseur Tolkenzaken neemt hierover contact op met de intermediair door wie u bent ingepland.

مشاور ارشد امور مترجمان با واسطه‌ای که شما را برای آن خدمت برنامه‌ریزی کرده تماس خواهد گرفت.

Ook u en de betrokken medewerker worden benaderd om te beoordelen of de klacht op informele wijze kan worden afgehandeld.

همچنین شما و کارمند مربوطه مورد مشورت قرار می‌گیرید تا بررسی شود آیا می‌توان شکایت را به صورت غیررسمی حل و فصل کرد.

Als dat niet mogelijk blijkt, dan wordt de klacht voor een formele behandeling voorgelegd aan de Klachtencommissie Wet beëdigde tolken en vertalers Kc Wbtv van het Bureau beëdigde tolken en vertalers Bbtv.

اگر حل غیررسمی ممکن نباشد، شکایت برای رسیدگی رسمی به کمیته رسیدگی به شکایات قانون مترجمان رسمی Kc Wbtv از سوی دفتر مترجمان رسمی Bbtv ارجاع داده می‌شود.

De IND heeft de Klachtencommissie gemandateerd klachten jegens tolken in behandeling te nemen en hier een advies over uit te brengen dan wel een besluit op te nemen.

IND به این کمیته اختیار داده است تا شکایات علیه مترجمان را بررسی و در این زمینه نظر مشورتی یا تصمیمی صادر کند.

Nadere informatie over deze formele klachtenbehandeling kunt u nalezen op de website van het Bbtv: www.bureauwbtt.nl.

اطلاعات بیشتر درباره این روند رسمی رسیدگی به شکایات را می‌توانید در وبسایت Bbtv به آدرس www.bureauwbttv.nl: مطالعه کنید.

۲. De IND kan ook op eigen initiatief een klacht indienen bij de Klachtencommissie Wbtv.

IND می‌تواند به‌صورت مستقل نیز شکایتی را به کمیته رسیدگی به شکایات Wbtv ارائه دهد.

۳. Als de IND klachten heeft over uw taalbeheersing of tolktechnieken/tolkhouding dan kan van u verlangd worden dat u deelneemt aan een taal- of tolktest.

اگر IND در مورد مهارت زبانی یا تکنیک‌ها و رفتار حرفه‌ای شما در ترجمه شکایتی داشته باشد، ممکن است از شما خواسته شود در یک آزمون زبانی یا ترجمه شرکت کنید.

De uitkomst van deze test kan van invloed zijn op de aan u verstrekte Inpasbaarheidsverklaring.

نتیجه این آزمون می‌تواند بر گواهی صلاحیت همکاری IPV که به شما اعطا شده است، تأثیر بگذارد.

۴. Mocht u een klacht hebben over het optreden van een IND-medewerker of over de gang van zaken bij IND, dan kunt u hierover contact opnemen met een Senior Adviseur Tolkenzaken.

اگر شما شکایتی درباره رفتار یکی از کارکنان IND یا روند کاری در IND دارید، می‌توانید با مشاور ارشد امور مترجمان تماس بگیرید.

Immigratie- en Naturalisatiedienst

اداره مهاجرت و تابعیت

Ministerie van Justitie en Veiligheid

وزارت دادگستری و امنیت

بخش چهارم

Hoofdstuk 1 Taal en cultuur

فصل ۱: زبان و فرهنگ

“Als je authentiek wilt klinken, moet je wat slordig spreken”

اگر می‌خواهی طبیعی و اصیل به نظر برسی، باید کمی نامنظم صحبت کنی

Psycholinguïste Mirjam Ernestus over onze uitspraakmanieren

روان‌زبان‌شناس میریام ارنستوس درباره شیوه‌های تلفظ ما

Als we praten, slikken we heel veel in.

وقتی صحبت می‌کنیم، خیلی چیزها را در کلام فرو می‌بریم.

We zeggen niet 'vakantie', maar 's'fkasie', en niet 'volgens mij', maar 'fomij'.

ما نمی‌گوییم vakantie بلکه s'fkasie می‌گوییم، و نمی‌گوییم volgens mij بلکه fomij. Taalkundige Mirjam Ernestus kreeg onlangs twee forse subsidies voor haar onderzoek naar zulke 'gereduceerde' spreektaal.

زبان‌شناس میریام ارنستوس به‌تازگی دو کمک‌هزینه چشمگیر برای پژوهش خود درباره این نوع زبان گفتاری کاهش‌یافته دریافت کرده است.

Hoe herleidt ons brein verkort uitgesproken woorden tot een betekenis?

چگونه مغز ما کلمات کوتاه‌شده را به یک معنای کامل بازمی‌گرداند؟

En wat houdt dat in voor het onderwijs?

و این چه معنایی برای آموزش دارد؟

"We horen 'daarum' of 'wes' en toch begrijpen we dat de spreker 'daarom' of 'wedstrijd' bedoelt. Hoe kan dat?", vraagt prof. dr. Mirjam Ernestus van de Radboud Universiteit Nijmegen retorisch.

ما کلماتی مانند 'daarum' یا 'wes' را می‌شنویم و با این حال متوجه می‌شویم که گوینده منظورش 'daarom' یا 'wedstrijd' است. چطور ممکن است؟
پروفسور دکتر میریام ارنستوس از دانشگاه رادبود نایمخن این را به‌صورت بلاغی مطرح می‌کند.

"Dat is de kern van mijn onderzoek: het verstaan en begrijpen van de zogenoemde gereduceerde uitspraakvarianten."

این هسته تحقیق من است: شنیدن و درک نسخه‌های به‌اصطلاح کاهش‌یافته تلفظ.

"In welke situaties gebruiken we zulke 'slordige taal'?"

در چه موقعیت‌هایی از چنین "زبان شلخته‌ای" استفاده می‌کنیم؟

"Zijn al die varianten van daarom, zoals 'daarm' en 'daarum', apart opgeslagen in onze hersenen of leiden we ze af uit een grondvorm?"

آیا همه این نسخه‌های مختلف کلمه 'daarom' مانند 'daarm' و 'daarum' به‌طور جداگانه در مغز ما ذخیره می‌شوند یا آن‌ها را از یک فرم پایه‌ای استنتاج می‌کنیم؟

"En hoe moeten buitenlanders die onze taal leren zulke varianten leren verstaan?"

و زبان‌آموزان خارجی که زبان ما را یاد می‌گیرند، چطور باید یاد بگیرند که این صورت‌های مختلف را درک کنند؟

"Uiteindelijk wil ik weten hoe ons brein dagelijkse spreektaal verwerkt."

در نهایت من می‌خواهم بدانم که مغز ما چگونه زبان گفتاری روزمره را پردازش می‌کند.

Met snelle gebaren schrijft ze het witte wandbord vol op haar werkkamer in het Nijmeegse Max Planck Instituut, het mekka van de psycholinguïstiek in de Lage Landen.

با حرکات سریع، تخته سفید دیوار دفترش را در مؤسسه ماکس پلانک نایمخن پر از نوشته می‌کند؛ مکانی که به‌عنوان مرکز روان‌زبان‌شناسی در سرزمین‌های پایین شناخته می‌شود.

Hier wordt door een excellente groep wetenschappers fundamenteel onderzoek gedaan naar het brede terrein van taal en hersenen: taalverwerving en taalverwerking in het menselijk brein.

در اینجا، گروه برجسته‌ای از دانشمندان، تحقیقات بنیادی درباره حوزه گسترده زبان و مغز انجام می‌دهند: یادگیری زبان و پردازش زبان در مغز انسان.

Het jaar 2012 markeert een grote doorbraak voor de onderzoekster Ernestus.

سال ۲۰۱۲ نقطه‌عطف بزرگی برای پژوهشگر ارنستوس بود.

Ze kreeg maar liefst twee grote onderzoekssubsidies toegewezen.

او موفق به دریافت دو کمک‌هزینه تحقیقاتی بسیار بزرگ شد.

“Kennelijk heb ik de commissies kunnen overtuigen van het maatschappelijk belang van mijn studieobject.”

ظاهراً توانسته‌ام کمیته‌ها را متقاعد کنم که موضوع تحقیق من از نظر اجتماعی اهمیت زیادی دارد.

Vrijwel al het taalkundig onderzoek naar gesproken taal houdt zich bezig met ‘volle varianten’: taal die heel netjes wordt uitgesproken.

تقریباً همه پژوهش‌های زبان‌شناختی درباره زبان گفتاری بر نسخه‌های کامل تمرکز دارند: زبانی که بسیار دقیق و کامل تلفظ می‌شود.

In mijn onderzoek richten we ons op spreektaal, waarin mensen van alles inslikken.

اما در تحقیق من، تمرکز ما روی زبان گفتاری واقعی است، زبانی که در آن مردم بخش‌هایی را حذف یا فرو می‌برند.

De resultaten zijn onder andere waardevol voor het talenonderwijs.

نتایج این تحقیق از جمله برای آموزش زبان بسیار ارزشمند هستند.

Aan de Radboud Universiteit zoeken we uit hoe we talenstudenten en buitenlandse studenten die Nederlands leren, kunnen helpen om hun luistervaardigheid te verbeteren.

در دانشگاه رادبود بررسی می‌کنیم که چگونه می‌توانیم به دانشجویان زبان و دانشجویان خارجی که زبان هلندی می‌آموزند کمک کنیم تا مهارت شنیداری‌شان را تقویت کنند.

We gebruiken bijvoorbeeld woordenlijsten mét de gereduceerde varianten.

برای مثال، از فهرست‌هایی استفاده می‌کنیم که شامل نسخه‌های کاهش‌یافته کلمات نیز هستند.

Daarbij moet je ook denken aan zinnnetjes als ‘Hoest?’ voor ‘Hoe is het?’.

در این زمینه باید به جملاتی مثل Hoest؟ به جای Hoe is het؟ نیز فکر کرد.

Balkenende

بالکن‌انده

Kampioen reduceren was lange tijd oud-premier Jan Peter

Balkenende, met fameuze frases als

‘Neelansevrantworehefoinnasjonaltrekking’.

قهرمان حذف و کاهش کلمات برای مدت طولانی نخست‌وزیر پیشین، یان پیتر بالکن‌انده بود، با جمله‌های معروفی مانند. Neelansevrantworehefoinnasjonaltrekking :

“Die man was voor mij een geschenk uit de hemel.”

او برای من مانند هدیه‌ای از آسمان بود.

“Als mensen vroegen wat ik deed, hoefde ik maar zijn manier van praten te noemen en iedereen begreep waar ik me mee bezighield.”

وقتی مردم می‌پرسیدند که شغل چیست، فقط کافی بود به شیوه صحبت کردن او اشاره کنم، تا همه بفهمند موضوع کار من چیست.

“Hij is ten onrechte voor gek gezet met zijn gereduceerde spraak, want wij doen dat allemaal.”

او به‌ناروا به خاطر زبان کاهش‌یافته‌اش مسخره شد، در حالی که ما همه این‌گونه صحبت می‌کنیم.

“Alleen deed Balkenende het ook in toespraken, en dan valt het op.”

فقط فرقتش این بود که بالکن‌انده این کار را در سخنرانی‌های رسمی‌اش هم می‌کرد، و همین باعث جلب توجه می‌شد.

Moedertaalsprekers van het Nederlands kunnen zulke taaklonten als die van Balkenende wel behappen.

گویشوران بومی زبان هلندی می‌توانند چنین بسته‌های فشرده زبانی مانند آنچه بالکن‌انده استفاده می‌کرد را درک کنند.

Ze zijn al op heel jonge leeftijd met gereduceerde varianten geconfronteerd, toen hun oor nog voor alles openstond.

آن‌ها از سن بسیار کم با نسخه‌های کاهش‌یافته زبان مواجه شده‌اند، زمانی که گوششان هنوز برای همه چیز باز بود.

Maar 'late leeders', Ernestus' term voor mensen die een tweede of vreemde taal leren na hun kindertijd, hebben grote problemen met reductie – en dus zijn ze interessant voor de onderzoeker.

اما یادگیرندگان دیر هنگام، اصطلاحی که ارنستوس برای افرادی به کار می برد که بعد از کودکی زبان دوم یا بیگانه ای را می آموزند، با کاهش در زبان مشکل زیادی دارند — و به همین دلیل برای پژوهشگر جالب توجه اند.

“We hebben vrijwel allemaal die onthutsende ervaring: in een Franse bakkerswinkel kun je wel netjes een stokbrood bestellen, maar je raakt het spoor bijster als de dame achter de toonbank in het Frans begint terug te ratelen.”

تقریباً همه ما آن تجربه شوکه کننده را داشته ایم: در یک نانوايي فرانسوي می توانيم مؤدبانه یک نان باگت سفارش دهيم، اما وقتی فروشنده شروع می کند به تند صحبت کردن به زبان فرانسوي، ما کاملاً گیج می شويم.

“Dat komt vooral doordat de woorden in de Franse spreektaal anders – meer gereduceerd – worden uitgesproken dan we op school geleerd hebben.”

این بیشتر به این خاطر است که کلمات در زبان گفتاری فرانسوي به گونه ای متفاوت — و بیشتر به صورت کاهش یافته — تلفظ می شوند نسبت به آنچه در مدرسه یاد گرفته ایم.

“Die dagelijkse taal met alle weglatingen vind ik machtig interessant.”

این زبان روزمره با همه حذف هایی که دارد برای من فوق العاده جالب است.

Zijn er patronen te herkennen bij het inslikken?

آیا در حذف یا بلعیدن بخش هایی از کلمات الگو هایی قابل شناسایی وجود دارد؟

Lenen bepaalde woorden zich er beter voor dan andere?

آیا برخی از کلمات بیشتر از بقیه مستعد این نوع حذف هستند؟

“Neem vakantie, volgens mij, of gehad.

برای مثال، کلمات vakantie ، volgens mij یا gehad را در نظر بگیر.

Als je de weergave van deze woorden in spreektaal analyseert,

اگر شکل گفتاری این کلمات را تجزیه و تحلیل کنی،

blijkt dat we er bij de uitspraak zoiets als 'fkasie', 'fosmij' en 'gat' van maken.

مشخص می شود که هنگام تلفظ، آن ها را به صورت هایی مانند fkasie ، fosmij و gat بیان می کنیم.

Vooral onbeklemtoonde stukjes sneuvelen in de woordenstroom.

به ویژه بخش های بدون تأکید در جریان گفتار حذف می شوند.

Verder bepalen frequentie én context – de omgeving waarin een woord voorkomt tussen andere woorden – of en hoe we een woord inkorten.

علاوه بر این، بسامد و بافت کلامی — یعنی محیطی که کلمه در آن همراه با دیگر کلمات ظاهر می‌شود — تعیین می‌کنند که آیا و چگونه ما یک کلمه را کوتاه می‌کنیم.

Maar als we het tot de taal zelf beperken, is de frequentie van een woord heel belangrijk.

اما اگر فقط به خود زبان بپردازیم، بسامد واژه بسیار مهم است.

De genoemde woorden komen veel voor. Hoe vaker een woord voorkomt, hoe eerder we het reduceren.

کلمات نام‌برده‌شده زیاد استفاده می‌شوند. هرچه واژه‌ای بیشتر تکرار شود، احتمال کاهش و حذف در آن بیشتر است.

Functiewoorden als 'de' en 'het' zijn hoogfrequent.

کلمات دستوری مانند de و het بسیار پرتکرارند.

Al zijn ze van zichzelf al kort, we maken ze in de uitspraak nog korter: 'd' en 't'.

با آن‌که خودشان از ابتدا کوتاه هستند، ما آن‌ها را هنگام تلفظ حتی کوتاه‌تر می‌کنیم d: و t'.

Oma's en kinderen

مادر بزرگ‌ها و کودکان

“Wat nu frappant is: ook woorden die wat minder frequent zijn, worden gereduceerd als ze in een bepaalde conversatie vaker voorkomen.

چیزی که جالب است این‌که حتی کلماتی که کمتر پرتکرارند، اگر در یک گفت‌وگوی خاص زیاد تکرار شوند، دچار کاهش می‌شوند.

We hebben vastgesteld dat het woord 'wedstrijd' in de loop van een gesprek steeds slordiger wordt uitgesproken naarmate het eropduikt.

ما متوجه شدیم که واژه wedstrijd مسابقه در طول یک گفت‌وگو، هرچه بیشتر تکرار می‌شود، تلفظش نیز به‌مرور شلخته‌تر می‌شود.

Voor de spreker is de planning van het uitspreken blijkbaar motorisch steeds eenvoudiger om dat woord te zeggen.

برای گوینده، برنامه‌ریزی برای گفتن این واژه از نظر حرکتی هر بار ساده‌تر می‌شود.

Anders geformuleerd: de uitvoering van de uitspraak van dat woord ligt als het ware nog klaar in ons geheugen.

به‌بیان دیگر: اجرای تلفظ آن واژه گویی همچنان آماده در حافظه ما قرار دارد.

Voor de luisteraar is het ook gemakkelijker om dat woord ‘op te halen’ uit het woordenboek in zijn hoofd, het zogenoemde mentale lexicon.

برای شنونده هم راحت تر است که آن واژه را از واژه نامه ذهنی خود فراخوانی کند.

Frequentie én context – de omgeving waarin een woord voorkomt tussen andere woorden – spelen een een-tweetje bij reductie.

بسامد و بافت – یعنی اینکه واژه در میان چه کلماتی ظاهر می شود – به صورت هماهنگ در کاهش یافتن نقش دارند.

Die context is van invloed op het uitspreken en het verstaan.

این بافت کلامی بر تلفظ و درک شنیداری تأثیر دارد.

Uit een grote verzameling spraak in spontane conversaties hebben we zinnestelsels geselecteerd als ‘De oma’s spelen’ en ‘De kinderen spelen’.

از میان مجموعه بزرگی از گفتار در مکالمات خودانگیخته، ما جملاتی مانند De oma’s spelen و De kinderen spelen را انتخاب کردیم.

Uit een vergelijking van de uitspraak blijkt dat het woord ‘kinderen’ in de tweede zin meer gereduceerd wordt dan ‘oma’s’ in de eerste zin.

از مقایسه تلفظ این جملات مشخص شد که واژه kinderen کودکان در جمله دوم بیشتر کاهش یافته تا واژه oma’s مادر بزرگها در جمله اول.

Dat is te verklaren doordat de tweede combinatie vaker voorkomt.

این را می توان توضیح داد، چون ترکیب دوم کودکان بازی می کنند بیشتر رخ می دهد.

In een normaal wereldbeeld zijn kinderen die spelen voorspelbaarder dan oma’s die spelen.

در تصور معمول از جهان، کودکانی که بازی می کنند قابل پیش بینی تر از مادر بزرگهایی که بازی می کنند هستند.

Sprekers hebben meer ervaring met de combinatie ‘kinderen - spelen’.

گویشوران با ترکیب کودکان – بازی کردن تجربه بیشتری دارند.

Waarom is dat nu zo interessant?

چرا این موضوع تا این اندازه جالب است؟

Het zegt iets over de werking van ons brein.

چون چیزی درباره عملکرد مغز ما می گوید.

De gegevens uit dit onderzoek passen in het beeld van een geheugen dat – ook bij uitspraak – vooral steunt op onze ervaring met taal in een bepaalde context.

داده‌های این تحقیق با تصویری از حافظه هماهنگ است که – حتی در تلفظ – به‌ویژه به تجربه ما از زبان در یک زمینه مشخص تکیه دارد.

Bron: Onze Taal, november 2012

منبع: مجله Onze Taal، نوامبر ۲۰۱۲

۱. Wat is 'gereduceerde spreektaal'? Geef een definitie en een belangrijk kenmerk.

Antwoord:

Gereduceerde spreektaal is gesproken taal waarbij klanken of delen van woorden worden weggelaten of ingeslikt, bijvoorbeeld vanwege snelheid of gemak tijdens het praten.

Een belangrijk kenmerk is dat onbeklemtoonde delen vaak verdwijnen, zoals 'vakantie' dat wordt uitgesproken als 'fkasie'.

ترجمه فارسی:

زبان گفتاری کاهش‌یافته به زبان گفتاری گفته می‌شود که در آن آواها یا بخش‌هایی از کلمات حذف می‌شوند یا به اصطلاح بلعیده می‌شوند، مثلاً به دلیل سرعت یا راحتی در گفتار. ویژگی مهم این نوع زبان آن است که بخش‌های بدون تأکید معمولاً حذف می‌شوند، مثلاً vakantie به صورت fkasie بیان می‌شود.

۲. Wat is het tegengestelde van gereduceerde spreektaal?

Antwoord:

Het tegenovergestelde is de volledige variant van woorden: taal die duidelijk en netjes wordt uitgesproken.

ترجمه فارسی:

نقطه مقابل زبان گفتاری کاهش‌یافته، نسخه کامل و رسمی واژه‌هاست؛ زبانی که واضح و دقیق تلفظ می‌شود.

۳. Wat betekenen de titels 'prof. dr.' bij Mirjam Ernestus?

Antwoord:

'Prof.' betekent dat ze hoogleraar is professor aan een universiteit en 'dr.' betekent dat ze gepromoveerd is, dus een doctorstitel heeft.

ترجمه فارسی:

Prof. به این معناست که او استاد دانشگاه است، و dr. نشان‌دهنده داشتن مدرک دکتری است.

۴. Wat wordt bedoeld met 'het mekka van de psycholinguïstiek'?

Antwoord:

Met 'het mekka' wordt bedoeld dat het Max Planck Instituut een belangrijk centrum is voor psycholinguïstiek in Nederland en België.

ترجمه فارسی:

منظور از مکه این است که مؤسسه ماکس پلانک مرکز مهمی برای روان‌زبان‌شناسی در هلند و بلژیک است.

۵. Wat is het maatschappelijk belang van het onderzoek?

Antwoord:

Het onderzoek helpt bij het verbeteren van het taalonderwijs, vooral voor mensen die Nederlands als tweede taal leren. Het helpt hen gereduceerde vormen te herkennen en begrijpen.

ترجمه فارسی:

این تحقیق به بهبود آموزش زبان کمک می‌کند، به‌ویژه برای کسانی که هلندی را به‌عنوان زبان دوم یاد می‌گیرند. این پژوهش به آن‌ها کمک می‌کند تا صورت‌های کاهش‌یافته را تشخیص دهند و درک کنند.

۶. Wat bedoelde Balkenende met 'Neelansevrantworehefoinnasjonal trekkin'?

Antwoord:

Waarschijnlijk bedoelde hij iets als 'Nederlandse vrouwen worden heel vaak in nationale trekking genoemd'. Het is een sterk gereduceerde zin.

ترجمه فارسی:

احتمالاً منظور او جمله‌ای شبیه به زنان هلندی اغلب در قرعه‌کشی ملی نام برده می‌شوند بوده است. این جمله به‌شدت کاهش‌یافته و فشرده شده است.

۷. Waarom was Balkenende een geschenk uit de hemel voor Ernestus?

Antwoord:

Omdat zijn gereduceerde spreekstijl een perfect voorbeeld was van wat zij onderzoekt. Ze hoefde alleen maar zijn manier van praten te noemen en iedereen begreep haar onderzoeksgebied.

ترجمه فارسی:

چون سبک گفتاری کاهش‌یافته‌ی بالکن‌انده نمونه‌ای کامل از موضوع تحقیق ارنستوس بود. او فقط لازم بود به شیوه صحبت کردن او اشاره کند تا همه منظورش را بفهمند.

۸. Welke drie regels noemt Ernestus voor reductie in de laatste alinea's?

Antwoord:

۱. Hoe vaker een woord voorkomt, hoe eerder het wordt gereduceerd.

۲. De context waarin een woord staat beïnvloedt of het wordt ingekort.

۳. Bekende combinaties van woorden worden sneller ingekort, omdat sprekers en luisteraars hier meer ervaring mee hebben.

ترجمه فارسی:

۱. هرچه واژه‌ای پرتکرارتر باشد، زودتر دچار کاهش می‌شود.

۲. بافت جمله و کلمات اطراف، روی کوتاه‌شدن واژه تأثیر دارند.

۳. ترکیب‌های آشنا زودتر کاهش می‌یابند، چون گوینده و شنونده با آن‌ها بیشتر آشنایی دارند.

۹. Wat wordt er gezegd over 'wedstrijd'?

Antwoord:

a: Het woord 'wedstrijd' wordt vaak gebruikt en is daarom motorisch steeds makkelijker uit te spreken.

ترجمه فارسی:

الف: واژه wedstrijd زیاد استفاده می‌شود و به همین دلیل، از نظر حرکتی گفتنش برای گوینده راحت‌تر می‌شود.

در ادامه معنی واژگان و اصطلاحات مهم از "Tekst 1 – Taal en Cultuur" به همراه معادل فارسی هر کلمه یا عبارت آورده شده است:

Woordenlijst / فهرست واژگان

۱. fors

شدید، چشمگیر

• مثال: تعداد بیکاران در سال‌های اخیر به‌شدت افزایش یافته است.

۲. herleiden tot

ردیابی کردن، منتسب کردن به

• مثال: اطلاعات جمع‌آوری‌شده را نمی‌توان به یک فرد خاص نسبت داد.

۳. kern,d

هسته، بخش اصلی

• مثال: یک ارائه خوب شامل مقدمه، بدنه اصلی و نتیجه‌گیری است.

۴. terrein, het

زمینه، حوزه تخصصی

• مثال: گزش حشرات حوزه تخصصی اوست.

۵. markeren

علامت زدن، مشخص کردن، نشانه‌گذاری کردن

• مثال: جشن پایان‌تحصیل نشانه‌ای از پایان دوره دبیرستان است.

۶. doorbraak, de

پیشرفت ناگهانی، گشایش

• مثال: ما منتظر گشایشی در بحث طولانی مدت درباره وام مسکن هستیم.

۷. doorbreken

به موفقیت رسیدن، شکستن مانع

• مثال: نویسنده پس از انتشار پرفروش‌ترین کتابش به شهرت رسید.

۸. bevlogen

پرشور، الهام‌بخش

• مثال: ما به دنبال سخنرانی پرشور هستیم که مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

۹. kennelijk

ظاهراً، به‌نظر می‌رسد

• مثال: ظاهراً او وقت کافی داشته تا دو مقاله بنویسد.

۱۰. behappen

از عهده برآمدن، قابل درک یا قابل کنترل بودن

• مثال: یاد گرفتن ۱۰ واژه در روز قابل تحمل است، اما بیشتر از آن نه!

۱۱. onthutsend

تکان‌دهنده، شوکه‌کننده

• مثال: کارآگاه کشفی تکان‌دهنده انجام داد.

۱۲. ratelen

پشت سر هم و سریع حرف زدن

• مثال: زن یک‌سره و سریع حرف می‌زد و من چیزی نفهمیدم.

۱۳. weergave, de

بازنمایی، نقل دقیق

• مثال: در نوشتن پایان‌نامه، ارائه دقیق منابع ضروری است.

۱۴. weergeven

نمایش دادن، بازتاب دادن

• مثال: این صفحه می‌تواند تصاویر سه‌بعدی را نمایش دهد.

۱۵. sneuvelen

از بین رفتن، نابود شدن

• مثال: در جنگ‌ها همیشه سربازانی کشته می‌شوند.

۱۶. beperken

محدود کردن

• مثال: آسیب طوفان خوشبختانه محدود بود.

۱۷. zich beperken tot

محدود شدن به

• مثال: پلیس از ما می‌خواهد فقط به بیان حقایق بسنده کنیم.

۱۸. frappant

قابل توجه، چشمگیر
• مثال: شباهت‌های چشمگیری بین دو رمان دیده شد.
/ Utdrukkingen اصطلاحات

۱۹. maar liefst

به اندازه‌ی / به تعداد چشمگیر
• متضاد slechts: فقط

۲۰. ten onrechte

به ناحق
• متضاد terecht: به حق

۲۱. iemand voor gek zetten

کسی را مسخره کردن، کسی را دیوانه جلوه دادن

۲۲. het spoor bijster raken

سردرگم شدن، مسیر را گم کردن

۲۳. als het ware

به‌نوعی، انگار که

Opdracht 2 :

۱. Na zijn doorbraak als kunstschilder werd hij door alle grote musea gevraagd om daar te exposeren.

بعد از موفقیت ناگهانی‌اش به عنوان نقاش هنری، همه موزه‌های بزرگ از او دعوت کردند تا در آنجا نمایشگاه برگزار کند.

۲. Als er een bevlogen docent voor de groep staat, vind ik de hoorcolleges wel interessant. Helaas zijn er ook docenten die routineus en zonder passie hun verhaal vertellen.

وقتی یک مدرس پرشور در کلاس تدریس می‌کند، سخنرانی‌ها برایم جالب هستند. متأسفانه برخی مدرسان هستند که مطالب را بدون احساس و با بی حوصلگی ارائه می‌دهند.

۳. De methode van onze nieuwe coach is te herleiden tot de drie b's: betrokken, bekwaam en bewust.

روش مربی جدید ما را می‌توان به سه اصل B بازگرداند: درگیر بودن، توانمند بودن، و آگاه بودن.

۴. De moeilijke woorden heb ik met een gele stift gemarkeerd.

واژه‌های سخت را با ماژیک زرد علامت‌گذاری کردم.

۵. De trein kwam eraan en reed voorbij zonder voor de wachtende reizigers te stoppen. Dat was een onthutsende ervaring.

قطار آمد و بدون اینکه برای مسافران منتظر توقف کند، رد شد. این تجربه‌ای تکان‌دهنده بود.

۶. Bij het ongeluk heeft mijn auto forse schade opgelopen.

ماشین من در تصادف آسیب شدیدی دید.

۷. Zijn bewering klopt niet helemaal, maar er zit wel een kern van waarheid in.

ادعای او کاملاً درست نیست، اما رگه‌ای از حقیقت در آن وجود دارد.

۸. De directie wil de toegang tot vertrouwelijke data beperken; niet alle informatie zal meer openbaar zijn.

مدیریت می‌خواهد دسترسی به اطلاعات محرمانه را محدود کند؛ دیگر همه اطلاعات در دسترس عموم نخواهد بود.

۹. De informatie in het boek was moeilijk te behappen, maar toen de docent het uitlegde, was het gelukkig duidelijk.

اطلاعات موجود در کتاب در ابتدا سخت فهمیده می‌شد، اما وقتی مدرس توضیح داد، خوشبختانه قابل فهم شد.

۱۰. De integere journalist probeert een juiste weergave van de werkelijkheid te geven.

خبرنگار درستکار تلاش می‌کند بازنمایی دقیقی از واقعیت ارائه دهد.

Opdracht 3:

در اینجا پاسخ‌های بخش Opdracht 3 – Synoniemen همراه با جایگزینی واژه‌ها با مترادف‌های مناسب و ترجمه فارسی هر جمله آورده شده است:

a. Vervang de gekleurde woorden door synoniemen

کلمات پررنگ شده با مترادف از فهرست داده‌شده جایگزین شده‌اند.

۱. De afgelopen jaren is er flink bezuinigd in het onderwijs.

در سال‌های گذشته، به‌شدت در بخش آموزش صرفه‌جویی شده است.

۲. Bij de aanval op de stad zijn twee militairen omgekomen.

در حمله به شهر، دو سرباز جان خود را از دست دادند.

۳. De vrouw op de fiets zwaaide enthousiast naar me. Ze dacht blijkbaar dat ik een bekende van haar was.

زن دوچرخه‌سوار با اشتیاق برایم دست تکان داد. ظاهراً فکر می‌کرد من آشنایش هستم.

۴. Wat ik opvallend vond, was dat iedereen opstond voordat de voorstelling was afgelopen.

آنچه برایم چشمگیر بود این بود که همه پیش از پایان نمایش بلند شدند.

۵. Ik had een cadeautje voor je meegenomen, maar ben bang dat het in mijn tas is kapotgegaan.

برای تو هدیه‌ای آورده بودم، اما می‌ترسم که در کیفم شکسته باشد.

۶. Op de werkvloer hoor je het Nederlands de hele dag om je heen en zo word je bij wijze van spreken gedwongen de taal ook buiten de lessen te spreken.

در محیط کار تمام روز هلندی را اطراف خود می شنوی و به نوعی وادار می شوی که خارج از کلاس هم زبان را صحبت کنی.

b. Zelf zinnen maken met de gekleurde woorden

در این بخش باید خودت با کلمات زیر جمله سازی کنی:

fors – sneuvelen – kennelijk – frappant – sneuvelen – als het ware

B:

۱. fors

شدید، چشمگیر

De prijzen van groente zijn deze maand fors gestegen.

قیمت سبزیجات این ماه به شدت افزایش یافته است.

۲. sneuvelen

کشته شدن، شکسته شدن یا از بین رفتن

Tijdens het verhuizen zijn er drie glazen gesneuveld.

در هنگام اسباب کشی، سه لیوان شکست.

۳. kennelijk

ظاهراً، به نظر می رسد

Hij is vandaag niet op kantoor. Kennelijk is hij ziek.

او امروز در دفتر نیست. ظاهراً مریض است.

۴. frappant

چشمگیر، قابل توجه

Het is frappant dat juist hij te laat kwam, want hij is altijd op tijd.

جالب است که درست او دیر آمد، چون همیشه وقت شناس است.

۵. sneuvelen

برای استفاده دیگر واژه در معنای از بین رفتن

Mijn plannen voor het weekend zijn gesneuveld door het slechte weer.

برنامه هایم برای آخر هفته به خاطر هوای بد نابود شد.

۶. als het ware که انگار به نوعی،

Hij ademt muziek, hij leeft er als het ware mee.

او با موسیقی نفس می کشد، انگار که با آن زندگی می کند.

؟

Opdracht 4 :

۱. Moet je veel doen voor dit project? behappen

Ja, het is best veel, maar het is nog wel te behappen.

بله، کار زیاد است، اما هنوز قابل مدیریت است.

۲. Wat vond je van de presentatie? bevlogen

Ik vond de spreker erg bevlogen. Hij sprak met veel passie.

به نظرم سخنران خیلی پرشور بود. با اشتیاق زیادی صحبت می کرد.

۳. Wanneer werd Annie M.G. Schmidt eigenlijk bekend bij het grote publiek? doorbraak

Haar doorbraak kwam in de jaren vijftig met haar kinderboeken.

موفقیت بزرگ او در دهه پنجاه با کتاب های کودکانه اش اتفاق افتاد.

۴. Is er de afgelopen jaren bezuinigd in het onderwijs? fors

Ja, er is fors bezuinigd. Veel scholen hebben minder geld gekregen.

بله، به شدت صرفه جویی شده است. بسیاری از مدارس بودجه کمتری دریافت کرده اند.

۵. Meestal wint een Vlaming het Groot Dictee der Nederlandse Taal. frappant

Ja, dat is best frappant. Je zou verwachten dat een Nederlander wint.

بله، این واقعاً جالب است. انتظار می رفت که یک هلندی برنده شود.

۶. Hé, er staat hier nog een tas. Is die van jou? kennelijk

Nee, kennelijk heeft iemand die hier laten staan.

نه، ظاهراً کسی آن را اینجا جا گذاشته است.

۷. Verstond jij het antwoord op de vraag van de interviewer? ratelen

Nee, helemaal niet. Hij begon te ratelen en ik kon het niet volgen.

نه، اصلاً. او شروع کرد به تند حرف زدن و من نتوانستم بفهمم.

۸. Zijn er veel soldaten omgekomen in de Eerste Wereldoorlog?

sneuvelen

Ja, miljoenen soldaten zijn gesneuveld tijdens die oorlog.

بله، میلیون ها سرباز در آن جنگ کشته شدند.

۹. Toen de foto gemaakt werd, stak hij twee vingers op achter haar hoofd. Waarom deed hij dat? iemand voor gek zetten

Hij wilde haar gewoon voor gek zetten. Het was een grapje.

او فقط می خواست او را مسخره کند. شوخی بود.

۱۰. Hoeveel mensen spreken er wereldwijd eigenlijk Nederlands?

maar liefst

Wereldwijd spreken maar liefst 24 miljoen mensen Nederlands.

در سراسر جهان به اندازه ی ۲۴ میلیون نفر هلندی صحبت می کنند.

۱۱. Begrijp jij wat we moeten doen? het spoor bijster raken

Nee, ik ben het spoor echt bijster. Ik snap er niks meer van.

نه، من کاملاً سردرگم شده‌ام. اصلاً چیزی نمی‌فهمم.

۱۲. Waarom is hij uit de gevangenis ontslagen? ten onrechte

Hij zat ten onrechte vast. Later bleek dat hij onschuldig was.

او به ناحق زندانی شده بود. بعداً مشخص شد بی‌گناه است.

Opdracht 5 :

۱. Wat doet Mirjam Ernestus?

Antwoord:

Mirjam Ernestus doet onderzoek naar gereduceerde spreektaal: de manier waarop mensen woorden in het dagelijks spreken inkorten of deels inslikken, en hoe luisteraars die alsnog begrijpen.

ترجمه:

میرجام ارنستوس درباره زبان گفتاری کاهش‌یافته تحقیق می‌کند: یعنی شیوه‌ای که مردم در گفتار روزمره واژه‌ها را کوتاه یا ناقص تلفظ می‌کنند، و اینکه شنوندگان چطور با این حال آن‌ها را درک می‌کنند.

۲. Hoe kwam Mirjam Ernestus erbij om dit onderzoek te doen?

Antwoord:

Ze raakte geïnteresseerd toen ze zich afvroeg hoe het mogelijk is dat we woorden als 'daarum' of 'fosluj' toch goed begrijpen, ook al klinken ze anders dan de volledige vorm.

ترجمه:

او زمانی علاقه‌مند شد که با خود فکر کرد چطور ممکن است که ما واژه‌هایی مانند daarum یا fosluj را به درستی بفهمیم، حتی وقتی متفاوت از شکل کاملشان تلفظ می‌شوند.

۳. Waarin verschilt dit onderzoek van veel andere taalkundige onderzoeken?

Antwoord:

Veel taalkundige onderzoeken richten zich op duidelijk uitgesproken taal 'volle varianten', terwijl Ernestus zich juist richt op de gereduceerde varianten die in spontane spreektaal voorkomen.

ترجمه:

بیشتر تحقیقات زبان‌شناسی روی زبان کاملاً تلفظ‌شده تمرکز دارند نسخه‌های کامل، در حالی که ارنستوس دقیقاً بر روی نسخه‌های کاهش‌یافته که در زبان گفتاری خودانگیخته رخ می‌دهند تمرکز دارد.

۴. Welke drie methodes gebruikt Mirjam Ernestus bij haar onderzoek?

Antwoord:

Ze gebruikt:

۱. Spraakopnames van spontane gesprekken
۲. Experimenten in een laboratorium
۳. Computermodellen die spraakverwerking simuleren

ترجمه:

او از سه روش استفاده می‌کند:

۱. ضبط صدای مکالمات خودجوش

۲. آزمایش‌های آزمایشگاهی

۳. مدل‌های رایانه‌ای برای شبیه‌سازی پردازش گفتار

۵. Waar was het oude idee – dat alleen basiswoorden in het mentale lexicon zaten – op gebaseerd?

Antwoord:

Dat idee was gebaseerd op geschreven taal, waarin woorden meestal volledig en netjes worden weergegeven.

ترجمه:

این باور بر اساس زبان نوشتاری شکل گرفته بود، چون در آن، واژه‌ها معمولاً به‌طور کامل و دقیق ارائه می‌شوند.

Opdracht 6 –:

۱. kujamaeevahellapa

Kun je mij even helpen?

می‌تونی یک لحظه به من کمک کنی؟

۲. thangtarvanaf

Dat hangt er van af.

بستگی دارد.

۳. kepan ouwafiets

Ik heb een oude fiets.

من یک دوچرخه قدیمی دارم.

۴. zulawa astukkiefietsa

Zullen we een stukje fietsen?

بریم به کم دوچرخه‌سواری کنیم؟

۵. laawadamaadoen

Laten we dat maar doen.

بیا اون کار رو انجام بدیم.

٦. ik bennattar niemeejeens
Ik ben het daar niet mee eens.

من با آن موافق نیستم.

٧. fosmij hepja glijk
Volgens mij heb je gelijk.

به نظر من حق با توه.

٨. kmoenog eva naarat posktoor
Ik moet nog even naar het postkantoor.

من هنوز باید یه سر به اداره پست بزنم.

٩. kujada mellak eva geva?
Kun je dat met lekker even geven?

می‌تونی اون رو لطفاً یه لحظه بدی؟

جمله‌اش کمی نامشخص است؛ لطفاً اگر نسخه صوتی در دسترس داری، بفرست

١٠. twasvammogga onsetnt gazellag
Het was vanmorgen ontzettend gezellig.

امروز صبح واقعاً خوش گذشت.

OPDRACHT 7 Elfje

Schrijf een gedicht van elf woorden, in de vorm die hierna is
aangegeven. Doe dit zonder heel lang na te denken; associeer vrij
met de woorden die spontaan in je opkomen.

حتماً، در اینجا معنی کامل این شعر هلندی به فارسی را برایت می‌نویسم:

Slordig

شلخته

Leven slordig

زندگی شلخته است

Denken, dromen slordig

افکار و رویاها شلخته‌اند

Iets mist, alles slordig

چیزی کم است، همه چیز شلخته است

Verloren

گم‌شده

بخش پنجم

interculturele communicatie

ارتباط میان فرهنگی

Interculturele communicatie betekent communicatie tussen twee culturen.

ارتباط میان فرهنگی به معنای ارتباط میان دو فرهنگ است.

Hoelang je ook in een land woont en hoe goed je een taal ook kent,
فرقی نمی‌کند چقدر در کشوری زندگی کرده‌ای و چقدر آن زبان را خوب بلدی،
als het niet je vaderland en je moedertaal zijn,
اگر آن کشور میهن تو و آن زبان، زبان مادری‌ات نباشند،
dan blijft het vaak lastig om die andere cultuur te doorgronden.

اغلب درک کامل آن فرهنگ دشوار باقی می‌ماند.

Het is moeilijk om het binnenste van de culturele ui te bereiken.

رسیدن به هسته‌ی درونی "پیاز فرهنگی" سخت است.

این جمله به استعاره‌ی معروف پیاز فرهنگی اشاره دارد که نشان می‌دهد فرهنگ لایه‌لایه است،
و لایه‌های درونی آن به سختی درک می‌شوند.

Bekijk de afbeelding en beantwoord in groepjes de vragen voordat je
de tekst gaat lezen.

به تصویر نگاه کنید و قبل از خواندن متن، به صورت گروهی به پرسش‌ها پاسخ دهید.
حتماً! در ادامه:

۱. ترجمه کامل نمودار پیازی فرهنگ Nederlandse met voorbeelden uit de
'cultuur'

۲. ترجمه فارسی دو سوال،

۳. و سپس پاسخ‌ها را به فارسی هم می‌نویسم.

نمودار پیازی فرهنگ De culturele ui – van Hofstede

این مدل نشان می‌دهد که فرهنگ لایه‌لایه است، درست مانند یک پیاز. از بیرونی‌ترین تا
درونی‌ترین لایه:

۱. نمادها: Symbolen

چیزهایی که دیده یا شنیده می‌شوند و معنی فرهنگی دارند.

مثال هلندی: دوچرخه، پنیر گودا، کفش‌های چوبی klompen، گل لاله، پرچم هلند، زبان
هلندی.

۲. قهرمانان: Helden

افراد زنده یا تاریخی که در یک فرهنگ الگو هستند.

مثال هلندی: ویلم فان اورانجه پدر ملت، آنا فرانک، یوهان کرایف فوتبالیست، ملکه ماکسیم.

۳. آیین‌ها: Rituelen

رسم‌ها یا رفتارهای اجتماعی که اهمیت فرهنگی دارند، حتی اگر کارکرد عملی نداشته باشند.

مثال هلندی: جشن پادشاه Koningsdag ، روز سنت نیکلاس Sinterklaas نوشیدن قهوه با بسکویت در دیدارها.

۴. ارزش‌ها: Waarden

باورهای اساسی درباره خوب و بد، مهم‌ترین بخش فرهنگ.

مثال هلندی: برابری gelijkheid ، استقلال فردی، صراحت eerlijkheid صرفه‌جویی zuinigheid، برنامه‌ریزی دقیق.

۵. رفتارها / اعمال: Praktijken

نتیجه بیرونی و قابل مشاهده این ارزش‌ها و لایه‌ها.

مثلاً: هلندی‌ها مستقیماً نظرشان را می‌گویند، قرارها را از قبل می‌گذارند و معمولاً وقت‌شناس هستند.

Vraag 1: Welke symbolen, helden, rituelen en waarden zijn kenmerkend voor jouw cultuur?

سؤال ۱: چه نمادها، قهرمانان، آیین‌ها و ارزش‌هایی مشخصه فرهنگ تو هستند؟

In de Iraanse cultuur zijn de volgende elementen belangrijk:

در فرهنگ ایرانی عناصر زیر اهمیت دارند:

– Symbolen: Perzisch tapijt, kalligrafie, Farsi, thee, traditionele gerechten.

– نمادها: فرش ایرانی، خوشنویسی، زبان فارسی، چای، غذاهای سنتی.

– Helden: Hafez, Ferdowsi, Avicenna, Cyrus de Grote.

– قهرمانان: حافظ، فردوسی، ابن‌سینا، کوروش بزرگ.

– Rituelen: Nowruz, Yalda, religieuze feesten zoals Ashura.

– آیین‌ها: نوروز، یلدا، جشن‌های مذهبی مانند عاشورا.

– Waarden: Respect, familiebanden, gastvrijheid, beleefdheid.

– ارزش‌ها: احترام، روابط خانوادگی، مهمان‌نوازی، ادب.

Vraag 2: En waar loopt een Nederlander in jouw cultuur tegen aan?

سؤال ۲: یک هلندی ممکن است در برخورد با فرهنگ تو با چه چیزی مواجه شود؟

Een Nederlander vindt indirecte communicatie moeilijk.

یک هلندی ممکن است ارتباط غیرمستقیم را دشوار بداند.

Iraniërs zeggen vaak niet direct 'nee'.

ایرانی‌ها معمولاً مستقیماً نه نمی‌گویند.

Sterke familiebanden kunnen ook opvallend zijn.

روابط خانوادگی نزدیک هم می‌تواند چشم‌گیر باشد.

Religieuze gewoontes zoals hoofddoek of aparte ruimtes kunnen verwarrend zijn.

سنت‌های مذهبی مثل روسری یا تفکیک فضاها ممکن است گیج‌کننده باشد.

‘Veel problemen die “intercultureel” worden genoemd, hebben primair te maken met onduidelijke communicatie.’

بسیاری از مشکلاتی که “میان فرهنگی” نامیده می‌شوند، در درجه اول با ارتباطات نامشخص مرتبط هستند.

Niet geheel onverwacht vindt het interview met Frank Garten, auteur van Werken met andere culturen, plaats wanneer hij in Thailand zit.

کاملاً هم غیرمنتظره نیست که مصاحبه با فرانک گارتن، نویسنده‌ی کار با فرهنگ‌های دیگر، زمانی انجام می‌شود که او در تایلند است.

Daar verzorgt hij een training voor projectmanagers van het bedrijf NXP.

او در آنجا دوره‌ای آموزشی برای مدیران پروژه شرکت NXP برگزار می‌کند.

De deelnemers komen uit verschillende Aziatische landen.

شرکت‌کنندگان از کشورهای مختلف آسیایی آمده‌اند.

Op het programma van deze vierdaagse training staan onder andere effectief communiceren, conflicthantering, intercultureel werken en coaching.

در برنامه‌ی این آموزش چهارروزه، از جمله، ارتباط مؤثر، مدیریت تعارض، کار میان فرهنگی و مربی‌گری گنجانده شده است.

Voor Garten is het de eerste keer dat hij deze training in dit werelddeel geeft.

برای گارتن این اولین بار است که چنین دوره‌ای را در این قاره برگزار می‌کند.

Maar hij weet heel goed dat hij het anders moet doen dan in Nederland.

اما او به خوبی می‌داند که باید این کار را متفاوت از هلند انجام دهد.

‘In Nederland gaat zo iets rechttoe rechtaan,’ zegt hij.

در هلند چنین چیزی به صورت مستقیم و سراسر است انجام می‌شود، او می‌گوید.

‘Je stelt je in een kennismakingsronde aan elkaar voor. Daarna start je de cursus.’

در یک دور آشنایی، خودتان را به یکدیگر معرفی می‌کنید. سپس دوره را شروع می‌کنید.

‘In Azië moet je veel meer de tijd nemen.’

در آسیا باید خیلی بیشتر وقت بگذاری.

Je moet eerst een klimaat van vertrouwen scheppen tussen de deelnemers.

باید ابتدا فضایی از اعتماد میان شرکت‌کنندگان ایجاد کنی.

Ze moeten bereid zijn iets van zichzelf en hun gedachten te laten zien.

آن‌ها باید آماده باشند بخشی از خودشان و افکارشان را نشان دهند.

Je kunt niet zomaar tegen een Japanner zeggen: 'Geef eens feedback aan deze Duitse meneer.'

نمی‌توانی همین‌طور به یک ژاپنی بگویی: لطفاً به این آقای آلمانی بازخورد بده.

De kans is groot dat hij je dan een beetje glazig gaat zitten aankijken. احتمال زیادی دارد که او با نگاهی خالی و متعجب به تو نگاه کند.

Voor ons is zo'n reactie op het eerste gezicht lastig.

برای ما در نگاه اول چنین واکنشی دشوار است.

Je constateert dat er geen stom woord uit die man komt.

متوجه می‌شوی که حتی یک کلمه‌ی احمقانه هم از آن مرد بیرون نمی‌آید.

En als je niet uitkijkt, trek je daaruit de conclusie dat hij bij jou in het bedrijf nooit carrière zal kunnen maken.'

و اگر حواست نباشد، از آن نتیجه می‌گیری که او هرگز در شرکت تو نمی‌تواند پیشرفت شغلی داشته باشد.

'Dat is echter niet terecht.

اما این درست نیست.

In Nederland communiceren we over het algemeen heel direct.

در هلند ما معمولاً بسیار مستقیم ارتباط برقرار می‌کنیم.

Maar wereldwijd is dat eerder uitzondering dan regel.

اما در سطح جهان، این بیشتر یک استثناست تا قاعده.

Wij als Nederlanders moeten ons aanpassen, dus eerst een relatie opbouwen.

ما به‌عنوان هلندی‌ها باید خودمان را وفق دهیم، پس اول باید رابطه‌ای بسازیم.

Dan pas is er voldoende vertrouwen voor de meer persoonlijke onderwerpen die bij dit soort trainingen aan de orde komen.'

فقط بعد از آن، اعتماد کافی برای پرداختن به موضوعات شخصی‌تر که در چنین دوره‌هایی مطرح می‌شوند، ایجاد خواهد شد.

Van opleiding is Garten 1970 natuurkundige.

فرانک گارتن متولد ۱۹۷۰ از لحاظ تحصیلی فیزیکدان است.

Tijdens zijn carrière bij Philips bleek al snel dat hij graag over de grenzen van zijn vakgebied heen keek.

در دوران حرفه‌ای‌اش در شرکت فیلیپس، خیلی زود مشخص شد که او علاقه‌مند است فراتر از حوزه تخصصی‌اش نگاه کند.

Hij werd algemeen manager.

او مدیر عمومی مدیر کل شد.

‘Mij werd toen al gauw duidelijk dat goed management een kwestie is van de juiste mensen selecteren en van duidelijk communiceren.’

در آن زمان برای من خیلی زود روشن شد که مدیریت خوب، مسئله‌ای است از انتخاب افراد مناسب و ارتباطگیری شفاف.

Hij was vaak betrokken bij buitenlandse onderhandelingen.

او اغلب در مذاکرات خارجی مشارکت داشت.

Bij buitenlandse onderhandelingen. Daardoor raakte hij geleidelijk steeds meer gefascineerd door de manier waarop culturele verschillen hoe je daar het beste mee om kunt gaan.

در مذاکرات خارجی. از این رو، او به تدریج بیش از پیش شیفته‌ی شیوه‌ای شد که با آن می‌توان به بهترین شکل با تفاوت‌های فرهنگی کنار آمد.

Tegenwoordig werkt Garten als zelfstandig adviseur en coach met name op het gebied van interculturele communicatie.

امروزه گارتن به عنوان مشاور و مربی مستقل کار می‌کند به ویژه در زمینه ارتباطات میان فرهنگی.

Hij schreef het boek Werken met andere culturen.

او کتاب کار با فرهنگ‌های دیگر را نوشته است.

Het boeiende van dit boek is dat het duidelijk is geschreven door een man met veel praktijkervaring.

آنچه در این کتاب جالب است، این است که به روشنی به دست فردی با تجربه‌ی عملی فراوان نوشته شده است.

Garten: 'Ik heb jarenlang onderhandeld zonder dat ik echt wist wat er aan de hand was.

گارتن: من سال‌ها مذاکره کرده‌ام بدون اینکه واقعاً بدانم چه اتفاقی دارد می‌افتد.

Ik heb vaak mijn neus gestoten en veel geleerd van mijn collega's voordat ik een patroon zag.

من بارها شکست خوردم و چیزهای زیادی از همکارانم یاد گرفتم، قبل از اینکه الگویی را متوجه شوم.

Pas later ben ik me gaan verdiepen in de literatuur over omgaan met andere culturen.

تازه بعدها شروع کردم به مطالعه‌ی منابع درباره‌ی کنار آمدن با فرهنگ‌های دیگر.

Daardoor werden die patronen voor mij nog weer duidelijker.

در نتیجه، آن الگوها برای من حتی واضح‌تر شدند.

Hij vertelt over langdurige onderhandelingen in India, die muurvast leken te zitten.

او درباره‌ی مذاکرات طولانی‌مدت در هند صحبت می‌کند، که به نظر کاملاً به بن‌بست رسیده بودند.

Nederlanders waren gefrustreerd, het Indiase team ook.

هلندی‌ها ناراحت و خسته بودند، تیم هندی هم همین‌طور.

Een collega stelde voor een pauze in te lassen.

یکی از همکاران پیشنهاد داد که یک استراحت بکنند.

Garten voelde daar niets voor en mompelde: 'We hebben de hele dag al pauze genomen.'

گارتن تمایلی به این کار نداشت و زیر لب گفت: ما تمام روز را استراحت کرده‌ایم.

Ondanks Gartens besmuikte kritiek werd er gepauzeerd.

با وجود انتقاد زیر لب گارتن، وقفه برقرار شد.

Zijn collega ging met een van de Indiërs een sigaretje roken en binnen tien minuten was er een deal.

همکارش با یکی از هندی‌ها برای کشیدن یک سیگار رفت و در عرض ده دقیقه، توافق حاصل شد.

Wat was er gebeurd?

چه اتفاقی افتاده بود؟

De collega had voor zichzelf uitgevist wie de meest senior onderhandelaar van de Indiase partij was en hem onder vier ogen gevraagd waar voor hem het belang lag.

آن همکار متوجه شده بود که ارشدترین مذاکره‌کننده‌ی تیم هندی چه کسی است، و در گفتگویی چهارچشمی از او پرسیده بود که برای او موضوع اصلی چیست.

In dat gesprek bleek dat voor de Indiërs de schoen niet wrong bij de prijs, zoals de Nederlanders dachten, maar bij de kwaliteit.

در آن گفت‌وگوی کوچک معلوم شد که برای هندی‌ها مشکل نه در قیمت، همان‌طور که هلندی‌ها فکر می‌کردند، بلکه در کیفیت بود.

Toen dat duidelijk werd, was er snel een doorbraak en konden beide partijen elkaar vinden.

وقتی این روشن شد، به‌سرعت پیشرفتی حاصل شد و هر دو طرف توانستند به توافق برسند.

Garten: 'Ik was daar nogal gefrustreerd door en vroeg me verontwaardigd af of ik in de toekomst soms ook sigaretjes moest gaan roken.'

گارتن: من از این موضوع کاملاً ناامید شده بودم و با دلخوری از خودم پرسیدم که آیا در آینده باید من هم سیگار بکشم!

Nu zie ik het patroon.

اما حالا الگو را می بینم.

Als je iemand niet begrijpt moet je proberen om vanuit zijn doelstellingen te redeneren.

اگر کسی را درک نمی کنی، باید سعی کنی از اهداف او فکر کنی.

Dat is niet makkelijk.

این کار آسانی نیست.

Je kunt dat onder andere doen door een stap terug te zetten – in dit geval door te vragen: ‘Waar gaat het jullie eigenlijk om?’

می توانی این کار را از جمله با یک قدم عقب گذاشتن انجام دهی – در این مورد خاص، با پرسیدن این سؤال: در واقع مسئله ی اصلی شما چیست؟

In Nederland kan je zo’n vraag misschien vast open op tafel leggen.

در هلند شاید بتوان چنین سؤالی را راحت و آشکارا روی میز گذاشت.

In India is dat not done.

اما در هند این کار “ممنوع” است قابل قبول نیست.

Daar praat je even onder vier ogen met de hoogste baas.’

در آنجا، باید در خلوت و چهارچشمی با بالاترین مقام صحبت کنی.

Gartens collega die in India de onderhandelingen opschortte was een Japanner.

همکاری که در هند مذاکرات را متوقف کرد، یک ژاپنی بود.

Japanners leren al van kinds af aan om niet alleen te luisteren naar het gesproken woord,

ژاپنی ها از کودکی یاد می گیرند که نه تنها به کلمات گفته شده گوش دهند،

maar hun informatie vooral te halen uit de context: gedrag, lichaamshouding, gezichtsuitdrukking, positie, leeftijd van de gesprekspartner.

بلکه اطلاعاتشان را بیشتر از بافت موقعیت به دست بیاورند: رفتار، زبان بدن، حالت صورت، موقعیت و سن طرف مقابل در گفتگو.

Japan is een land met een hogecontextcommunicatie.

ژاپن کشوری است با ارتباطات بافت بالا. High-context communication.

Nederland is daarentegen een land met een lagecontextcommunicatie.

در مقابل، هلند کشوری است با ارتباطات بافت پایین. Low-context communication.

Wij willen de gesproken woorden letterlijk begrijpen en zijn geneigd klip-en-klaar te zeggen waar het op staat.

ما می‌خواهیم کلمات گفته‌شده را به‌صورت تحت‌اللفظی درک کنیم و تمایل داریم خیلی صریح و شفاف بگوییم موضوع چیست.

IX

In geleidelijk een relatie opbouwen zijn Nederlanders niet zo goed.

هلندی‌ها در ایجاد تدریجی رابطه مهارت زیادی ندارند.

Amerikanen besteden daar al helemaal geen tijd aan.

آمریکایی‌ها اصلاً وقت برای این کار نمی‌گذارند.

Of zoals Garten zegt: 'Ze komen snel to the point.

یا همان‌طور که گارتن می‌گوید: آن‌ها سریع سر اصل مطلب می‌روند.

Er is geen tijd om aandacht te besteden aan algemene achtergronden van de onderhandeling of om over het weer of de file te praten.

وقتی برای توجه به زمینه‌های کلی مذاکره یا صحبت درباره آب‌وهوا یا ترافیک وجود ندارد.

"How are you doing?" moet genoeg zijn.

چطوری؟ باید کافی باشد.

Er bestaan volgens Garten bij Nederlanders nogal eens misverstanden over de manier waarop je met Aziatische partners een relatie moet opbouwen.

به‌گفته‌ی گارتن، در میان هلندی‌ها اغلب سوءتفاهم‌هایی درباره چگونگی ایجاد رابطه با شرکای آسیایی وجود دارد.

'Die denken soms dat je heel veel met elkaar uit eten moet.

آن‌ها گاهی فکر می‌کنند که باید خیلی زیاد با هم بیرون غذا بخورید.

Dat is beslist niet het enige.

ولی این قطعاً تنها راه نیست.

Net zo belangrijk is dat er bij vergaderingen heel veel vragen worden gesteld die niet direct relevant voor de deal zijn.

به همان اندازه مهم است که در جلسات، سؤالات زیادی پرسیده می‌شود که مستقیماً به قرارداد مربوط نیستند.

Je Aziatische handelspartner zal bijvoorbeeld naar allerlei technische details vragen.

مثلاً شریک تجاری آسیایی‌ات درباره انواع جزئیات فنی سؤال خواهد پرسید.

Meer dan in de feitelijke antwoorden is hij geïnteresseerd in de kennis van zaken die jij tentoonspreidt en in de oprechtheid waarmee je zijn vragen al dan niet beantwoordt.

بیش از آن که به پاسخ های واقعی علاقه مند باشد، به دانشی که نشان می دهدی و صداقتی که با آن پاسخ می دهی یا نمی دهی علاقه مند است.

Het is het testen van de relatie!

این آزمایش رابطه است!

Stapje terug

یک قدم به عقب

Veel problemen die 'intercultureel' worden genoemd, hebben primair te maken met onduidelijke communicatie.

بسیاری از مشکلاتی که میان فرهنگی نامیده می شوند، در اصل با ارتباطات نامشخص مربوط اند.

De centrale stelling van Garten is dat 'inhoud' het uitwisselen van argumenten weliswaar het meest zichtbare onderdeel van communicatie is,

نظر اصلی گارتن این است که محتوا رد و بدل کردن استدلال ها هر چند بخش قابل مشاهده تری از ارتباط است،

maar dat de onderliggende niveaus van proces, interactie en klimaat voor het uiteindelijke resultaat minstens zo belangrijk zijn.

اما سطوح زیربنایی مانند فرایند، تعامل و فضای کلی برای نتیجه نهایی به همان اندازه مهم هستند.

De meeste mensen hebben de neiging om bij een conflict te blijven argumenteren en te vechten op het niveau van de inhoud.

اکثر مردم تمایل دارند در هنگام بروز اختلاف، به استدلال کردن و جنگیدن در سطح محتوا ادامه دهند.

Effectiever is het om een stapje terug te doen en eens te kijken naar de manier waarop er gepraat en niet! wordt geluisterd.

اما مؤثرتر آن است که یک قدم به عقب برگردی و ببینی چگونه صحبت می شود و نه! چگونه گوش داده می شود.

Of om gevoelens van irritatie te bespreken.

یا درباره ی احساسات رنجش و عصبانیت صحبت کنی.

Door eerst afstand te nemen, wordt het later makkelijker een doorbraak te bewerkstelligen.

با فاصله گرفتن اولیه، در آینده دستیابی به پیشرفت یا تحول آسان تر می شود.

XI

Dat laat onverlet dat er soms onoverbrugbare cultuurverschillen tussen landen bestaan.

این به این معنا نیست که همیشه می‌توان از اختلاف‌های فرهنگی عبور کرد؛ گاهی تفاوت‌های فرهنگی میان کشورها غیرقابل‌پوشش است.

Dat bleek bij de door vele camera's geregistreerde arrestatie van de van verkrachting verdachte IMF-topman Dominique Strauss-Kahn.

این موضوع در دستگیری مدیرعامل وقت صندوق بین‌المللی پول، دومینیک استراوس-کان که به تجاوز متهم شده بود و توسط دوربین‌های زیادی ثبت شد، آشکار شد.

DSK was nog niet door politie in de boeien geslagen of zijn vriend Bernard-Henri Lévy schreef een open brief

قبل از آن‌که پلیس حتی دستبند به دست DSK بزند، دوست او برنار آنری لوی نامه‌ای سرگشاده نوشت

met als strekking: wat mijn vriend ook heeft gedaan, niets kan rechtvaardigen dat hij op deze manier voor de wolven wordt gegoooid.

با این مضمون که: دوست من هر کاری که کرده باشد، هیچ چیز نمی‌تواند توجیه کند که او به این شیوه به گرگ‌ها سپرده شود.

XII

Garten: 'In Amerika telt vooral het individu.

گارتن: در آمریکا، آنچه بیش از همه اهمیت دارد فرد است.

Amerikanen zijn individualisten: iedereen is gelijk.

آمریکایی‌ها فردگرا هستند: همه برابرند.

Wanneer iemand wordt verdacht van een misdrijf, wordt hij ongeacht zijn status openlijk gevangengenomen.

وقتی کسی به ارتکاب جرم مشکوک شود، بدون توجه به جایگاه اجتماعی‌اش، به‌صورت علنی بازداشت می‌شود.

Bovendien is Amerika een masculiene maatschappij.

علاوه بر این، آمریکا جامعه‌ای مردانه با فرهنگ رقابتی و قدرت‌محور است.

Dat betekent dat als het goed gaat, je door iedereen wordt bewonderd.

این یعنی وقتی اوضاع خوب پیش برود، همه تو را تحسین می‌کنند.

Maar als je valt, val je diep.

اما اگر بیفتی، به‌شدت سقوط خواهی کرد.

Als hij moet worden gearresteerd, kan dat veel discreter zodat hij niet met de stoppels op zijn kin als een gangster op de foto in alle kranten komt.

اگر قرار است او بازداشت شود، می‌توان این کار را بسیار محترمانه‌تر انجام داد تا با تهریش شبیه یک گانگستر در تمام روزنامه‌ها دیده نشود.

Daarnaast hebben Fransen een lage tolerantie voor zaken die ze zelf niet in de hand hebben.

علاوه بر این، فرانسوی‌ها در برابر مسائلی که کنترل آن‌ها را در اختیار ندارند، تحمل پایینی دارند.

Dit is iets wat hun overkomt.

این چیزی است که به آن‌ها تحمیل شده نه چیزی که خودشان انتخاب کرده باشند.

Ze kunnen niet de rechter bellen om een goed woordje voor hun vriend te doen.

آن‌ها نمی‌توانند به قاضی زنگ بزنند تا برای دوستشان وساطت کند.

Dat maakt de affaire voor hen extra pijnlijk.

و این، ماجرا را برای آن‌ها به‌ویژه دردناک می‌سازد.

XIII

In Frankrijk is er respect voor status.

در فرانسه، احترام به مقام اجتماعی وجود دارد.

Dat betekent dat je een topman niet als een ordinaire boef in de boeien slaat.

این یعنی شما یک مدیر عالی‌رتبه را مانند یک خلاف‌کار معمولی با دستبند نمی‌زنید.

Bron: www.managementboek.nl, 8 juli 2011

منبع: www.managementboek.nl، ۸ ژوئیه ۲۰۱۱

۱. In regel 26-27 staat: 'In Nederland gaat zo iets rechttoe rechtaan.'

الف. Wat houdt dat in?

ب. Welk risico loop je als je deze aanpak in Azië hanteert?

۱. در خط ۲۶-۲۷ آمده: در هلند چنین چیزی مستقیم و بی‌پرده انجام می‌شود.

الف. این یعنی چه؟

ب. اگر از این شیوه در آسیا استفاده کنی، با چه خطری روبه‌رو می‌شوی؟

Antwoorden / پاسخ‌ها:

• a. Dat betekent dat Nederlanders direct en zonder omweg communiceren.

یعنی هلندی‌ها مستقیماً و بدون حاشیه صحبت می‌کنند.

• b. In Azië kan dit als onbeleefd of ongemakkelijk worden ervaren, waardoor er geen vertrouwen ontstaat.

در آسیا ممکن است این رفتار بی‌ادبانه یا ناراحت‌کننده تلقی شود و اعتماد شکل نگیرد.

۲. De volgende zinnen gaan over Frank Gartens loopbaan. Zet ze in de goede volgorde.

Frank Garten ...

- a. leest over het onderwerp interculturele communicatie.
- b. maakt fouten in de praktijk.
- c. ontdekt een structuur in interculturele communicatie.
- d. raakt geïnteresseerd in interculturele communicatie.
- e. volgt een studie natuurkunde.
- f. wordt algemeen manager.

۲. جملات زیر درباره مسیر شغلی فرانک گارتن هستند. آن‌ها را به ترتیب درست قرار بده.
پاسخ:

$e \rightarrow f \rightarrow d \rightarrow b \rightarrow c \rightarrow a$

۱. او فیزیک خواند.

۲. مدیر کل شد.

۳. به ارتباطات میان فرهنگی علاقه‌مند شد.

۴. در عمل اشتباه کرد.

۵. الگویی در آن کشف کرد.

۶. در این زمینه مطالعه کرد.

۳. Het roken van een sigaretje leidde tot een doorbraak regel 111-

114. Leg in eigen woorden uit hoe dat kwam.

۳. کشیدن یک سیگار باعث یک پیشرفت شد خط ۱۱۱-۱۱۴. با کلمات خودت توضیح بده که
چطور این اتفاق افتاد.

پاسخ: / Antwoord

Omdat tijdens het sigaretje een persoonlijk gesprek plaatsvond, waarin duidelijk werd dat het probleem niet de prijs, maar de kwaliteit was.

چون در حین سیگار کشیدن یک گفت‌وگوی شخصی شکل گرفت و مشخص شد که مشکل اصلی
قیمت نیست بلکه کیفیت است.

۴. In de tekst staat dat Nederland een land is met een lagecontextcommunicatie. Japan heeft juist een hogecontextcommunicatie. Hoe zit dat met jouw land?

۴. در متن آمده که هلند کشوری با ارتباطات بافت‌پایین است، اما ژاپن دقیقاً برعکس، با
ارتباطات بافت‌بالا. کشور تو چگونه است؟

پاسخ: / Antwoord

In mijn land Iran is er ook hogecontextcommunicatie. Mensen communiceren vaak indirect, letten op lichaamstaal en gebruiken beleefde vormen.

در کشور من ایران، ارتباطات نیز بافت بالا هستند. مردم اغلب غیرمستقیم صحبت می‌کنند، به زبان بدن توجه دارند و از فرم‌های مؤدبانه استفاده می‌کنند.

۵. Waarom is het volgens Frank Garten goed om in onderhandelingen een stapje terug te doen?

۵. به گفته فرانک گارتن، چرا خوب است که در مذاکرات یک قدم به عقب برداشت؟

پاسخ: /: Antwoord

Omdat je dan beter kunt zien hoe er wordt gecommuniceerd en of er echt geluisterd wordt. Dat helpt om vertrouwen en wederzijds begrip op te bouwen.

چون در این صورت می‌توان بهتر دید که چگونه گفتگو انجام می‌شود و آیا واقعاً گوش داده می‌شود. این به ساختن اعتماد و درک متقابل کمک می‌کند.

۶. Regel 230–233: ‘DSK was nog niet door politie in de boeien geslagen of zijn vriend Bernard-Henri Lévy schreef een open brief.’ Wat betekent deze zin?

a. Aangezien DSK nog niet gearresteerd was, schreef Lévy een open brief.

b. Als DSK gearresteerd zou worden, zou Lévy een open brief schrijven.

c. Meteen nadat DSK gearresteerd was, schreef Lévy een open brief.

d. Nog voordat DSK gearresteerd was, had Lévy een open brief geschreven.

۶. خط ۲۳۰–۲۳۳: هنوز به DSK دستبند نزده بودند که دوستش لوی نامه‌ای سرگشاده نوشت. این جمله یعنی چه؟

الف. چون هنوز دستگیر نشده بود، لوی نامه نوشت.

ب. اگر دستگیر می‌شد، لوی نامه می‌نوشت.

پ. بلافاصله بعد از بازداشت، نامه نوشت.

ت. حتی پیش از دستگیری، لوی نامه را نوشته بود.

پاسخ: /: Antwoord

d. Nog voordat DSK gearresteerd was, had Lévy een open brief geschreven.

پاسخ درست: ت — حتی پیش از آن که DSK دستگیر شود، لوی نامه‌ای نوشته بود.

۷. Hoe zou een topman in jouw land gearresteerd worden?

۷. در کشور تو، چگونه یک مقام بلندپایه دستگیر می‌شود؟

پاسخ: / Antwoord

In mijn land gebeurt dat meestal niet openlijk. Het gebeurt achter de schermen, met veel voorzichtigheid, zeker als de persoon invloedrijk is.

در کشور من، معمولاً این کار علنی انجام نمی‌شود. پشت صحنه و با احتیاط زیاد انجام می‌شود، مخصوصاً اگر آن فرد بانفوذ باشد.

2 – Vocabulaire tekst واژگان مهم متن ۲ با مثال و ترجمه

1 – scheppen schiep, heeft geschapen آفریدن، ایجاد کردن

Voorbeeldzin: De nieuwe trainer was erg goed. Meteen bij de eerste training wist hij een goede en sportieve sfeer te scheppen.

ترجمه: مربی جدید خیلی خوب بود. همان جلسه اول تمرین توانست فضای خوب و ورزشی‌ای ایجاد کند.

inlassen

۱ – گنجاندن، وارد برنامه کردن

Voorbeeldzin: Het programma is erg vol. Ik denk dat we rond vijf uur nog een extra pauze moeten inlassen.

ترجمه: برنامه خیلی فشرده است. فکر می‌کنم حدود ساعت پنج باید یک استراحت اضافی در برنامه بگنجانیم.

۳ – besmuikt پنهانی، با خودداری مثلاً خنده‌ی پنهانی

Voorbeeldzin: Ze vond het wel grappig, maar wilde dat niet laten merken dus lachte ze een beetje besmuikt.

ترجمه: به نظرش خنده‌دار بود، ولی نمی‌خواست نشان بدهد، بنابراین کمی پنهانی خندید.

۴ – uitvissen پی بردن، کشف کردن از راه سوال پرسیدن

Voorbeeldzin: Kun je dat niet uitvissen bij Marian van de organisatie?

ترجمه: نمی‌تونی این را از ماریان از تیم برگزارکننده دربیاری؟

۵ – verontwaardigd با خشم یا رنجش پاسخ دادن، آزرده‌شدن

Voorbeeldzin: Hij reageerde verontwaardigd toen ik zei dat ik liever alleen ging.

ترجمه: وقتی گفتم ترجیح می‌دهم تنها بروم، با رنجش واکنش نشان داد.

۶ – redeneren استدلال کردن، گام‌به‌گام فکر کردن

Voorbeeldzin: Kinderen leren hoe ze een standpunt kunnen bepalen door te redeneren.

ترجمه: بچه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه با استدلال کردن موضع خود را مشخص کنند.

۷ – redenering, de استدلال، زنجیره منطقی

Voorbeeldzin: Ik kon zijn redenering niet volgen.

ترجمه: من نتوانستم استدلالش را دنبال کنم.

۸ – opschorten. به تعویق انداختن، موقتاً متوقف کردن

Voorbeeldzin: Hij schortte de betaling van zijn huur op.

ترجمه: او پرداخت اجاره‌اش را موقتاً متوقف کرد.

۱ – 163 r. geneigd zijn. تمایل داشتن، متمایل بودن

Voorbeeldzin:

Jasper is geneigd om Natalia haar zin te geven, want hij wil haar graag plezieren.

ترجمه: جاسپر تمایل دارد خواسته ناتالیا را برآورده کند، چون می‌خواهد او را خوشحال کند.

۲. neigen naar – گرایش داشتن به، میل داشتن به

Voorbeeldzin:

Ik neig ernaar om met haar mee te gaan als ze naar Amerika gaat verhuizen.

ترجمه: من میل دارم همراه او بروم اگر بخواهد به آمریکا نقل مکان کند.

۳ – neiging, de. تمایل، گرایش اسم

Voorbeeldzin:

Als ik zie dat iemand in de problemen zit, heb ik de neiging om te helpen.

ترجمه: وقتی می‌بینم کسی مشکل دارد، تمایل دارم به او کمک کنم.

۴ – 193 r. tentoonspreiden. به نمایش گذاشتن، نشان دادن توانایی یا احساسات

Voorbeeldzin:

De leerlingen konden hun theatrale talenten tentoonspreiden.

ترجمه: دانش‌آموزان می‌توانستند استعدادهای نمایشی خود را به نمایش بگذارند.

۵ – 221 r. bewerkstelligen. به انجام رساندن، به تحقق رساندن

Voorbeeldzin:

Het is lastig om een verandering te bewerkstelligen.

ترجمه: انجام یک تغییر کار سختی است.

۶ – 224 r. onoverbrugbaar. غیرقابل پل زدن، غیرقابل رفع

Voorbeeldzin:

Het verschil van mening was onoverbrugbaar.

ترجمه: اختلاف نظر آن قدر عمیق بود که قابل حل نبود.

۶. overbruggen

۷ – پل زدن، حل کردن فاصله یا شکاف

Voorbeeldzin:

De stage overbruggt de kloof tussen theorie en praktijk.

ترجمه: کارآموزی فاصله بین نظریه و عمل را پر می‌کند.
۸ – r. 233 strekking, de r. 233 مضمون، منظور اصلی

Voorbeeldzin:

De strekking van de brief was dat bewoners zich geen zorgen hoefden te maken.

ترجمه: مضمون نامه این بود که ساکنان نباید نگران تغییرات در محله باشند.
۹ – r. 243 ongeacht. بدون در نظر گرفتن، فارغ از

Voorbeeldzin:

Iedereen mag meedoen, ongeacht leeftijd, sekse en afkomst.

ترجمه: همه می‌توانند شرکت کنند، صرف‌نظر از سن، جنسیت یا نژاد.

۱۰. discreet r. 257

— رازنگهدار، بالاحتیاط، قابل اعتماد

Voorbeeldzin:

Ik durf Nicole alles te vertellen omdat ze heel discreet is.

ترجمه: من می‌توانم همه چیز را به نیکول بگویم چون او بسیار رازنگهدار است.

OPDRACHT 8

Vraag a: Wat hoort bij wat?

چه چیزی با چه چیزی می‌خواند؟

۱. op het eerste gezicht – e. de eerste indruk
۲. geen stom woord zeggen – f. zwijgen
۳. onder vier ogen – a. iets tussen twee mensen
۴. zeggen waar het op staat – d. eerlijk je mening geven
۵. een goed woordje doen – b. aanbevelen
۶. in de boeien slaan – c. gevangennemen

— Vertaling van de uitdrukkingen – ترجمه اصطلاحات

۱ – op het eerste gezicht. در نگاه اول / در نگاه نخست

— de eerste indruk تأثیر اولیه

۲ – geen stom woord zeggen. هیچ حرفی نزدن / ساکت ماندن

— zwijgen سکوت کردن

۳ – onder vier ogen. به صورت خصوصی / بین دو نفر

— iets tussen twee mensen چیزی بین دو نفر

۴ – zeggen waar het op staat. رک و راست گفتن واقعیت

— eerlijk je mening geven صادقانه نظر دادن

۵ – een goed woordje doen. برای کسی توصیه‌نامه نوشتن / سفارش خوب کسی را کردن

– aanbevelen توصیه کردن

۶ – in de boeien slaan. دستگیر کردن / دستبند زدن

– gevangennemen زندانی کردن

p40

Opdracht 8

B:

۱. Origineel:

Jaap wilde het leuke meisje graag mee uit vragen, maar hij was bang om afgewezen te worden.

Correctie:

...maar hij was bang dat ze hem de waarheid zou zeggen zoals die is zeggen waar het op staat.

باید اصلاح شود به:

...maar hij was bang dat ze hem zou zeggen waar het op stond.

او می‌ترسید که دختر حقیقت را رک و راست به او بگوید.

۲. Origineel:

Hij werd zonder hulp blootgesteld aan de kritiek van het vijandige publiek.

Correctie:

Hij werd in de boeien geslagen door de kritiek van het vijandige publiek.

در اینجا استعاره: او توسط انتقادها مثل یک مجرم گیر افتاد.

ترجمه:

او بدون کمک، گرفتار انتقاد شدید حضار خصمانه شد.

۳. Origineel:

Ik begrijp niet wat precies het probleem is. Ik zal morgen even met hem gaan praten.

Correctie:

Ik zal morgen even onder vier ogen met hem gaan praten.

من فردا به صورت خصوصی با او صحبت خواهم کرد.

۴. Origineel:

Liselot is al vanaf heel jonge leeftijd bezig met balletdansen.

Correctie:

Liselot heeft op het eerste gezicht talent voor ballet getoond.

در نگاه اول، لیسلوت استعداد باله نشان داده است.

۵. Origineel:

De jonge docent geeft heel helder en doelgericht les.

Correctie:

De jonge docent zegt waar het op staat tijdens zijn lessen.

او هنگام تدریس رک و واضح صحبت می‌کند.

۶. Origineel:

Hij merkte niet dat zijn gesprekspartner hem aankeek met een blik die een volkomen onbegrip uitdrukte.

Correctie:

Hij merkte niet dat zijn gesprekspartner geen stom woord zei.

او متوجه نشد که طرف مقابلش هیچ چیزی نگفت.

۷. Origineel:

Toen zij haar werkgeefster om salarisverhoging vroeg, kreeg ze een volstrekt duidelijk antwoord.

Correctie:

Ze vroeg om salarisverhoging, maar haar baas zei waar het op stond: 'nee!'

او خواستار افزایش حقوق شد، ولی رئیسش رک گفت: نه!

۸. Origineel:

Agnes haalde weer een onvoldoende voor haar tentamen. Dit maakt niet minder waar dat zij ook deze tweede keer heel erg haar best had gedaan.

Correctie:

Ze had een onvoldoende, maar haar docent deed een goed woordje voor haar.

او نمره پایین گرفت، اما معلمش برایش وساطت کرد.

۹. Origineel:

In korte tijd ontstond er een enorme chaos. De politie had geen controle meer over de situatie.

Correctie:

De situatie was zo chaotisch dat de politie geen stom woord kon zeggen.

وضعیت چنان آشفتہ بود که پلیس حتی نمی‌توانست حرفی بزند.

۱۰. Origineel:

Martin is deskundig op het gebied van cellulaire biologie.

Correctie:

Martin spreidt zijn kennis tentoon op het gebied van cellulaire biologie.

مارتین دانش خود را در زمینه زیست‌شناسی سلولی به نمایش می‌گذارد.

Opdracht 9

۱. Ik was diep ... dat hij niet geloofde dat ik verdwaald was.

Antwoord: gekwetst

ترجمه: من عمیقاً ناراحت شدم که او باور نکرد که من گم شده بودم.

۲. De directie ... ernaar om met het voorstel in te stemmen, maar wil eerst nog met de accountant overleggen.

Antwoord: neigt

ترجمه: هیئت مدیره تمایل دارد با این پیشنهاد موافقت کند، اما می‌خواهد ابتدا با حسابدار مشورت کند.

۳. Het feit dat er direct op je klacht gereageerd is, ... bij mij wel het vertrouwen dat er snel een oplossing komt.

Antwoord: wekt

ترجمه: این واقعیت که بلافاصله به شکایت تو پاسخ داده شده، در من این اعتماد را ایجاد می‌کند که به‌زودی راه‌حلی پیدا خواهد شد.

۴. Volgens mijn zus is het goed om iedere week een zogenaamde 'sapdag' ...: één dag in de week waarop je alleen maar sap en water drinkt en niets eet.

Antwoord: in te lassen

ترجمه: خواهرم می‌گوید خوب است که هر هفته یک "روز آبمیوه" بگنجانی؛ یک روز در هفته که فقط آبمیوه و آب می‌نوشی و چیزی نمی‌خوری.

۵. Ik heb geconstateerd dat zijn ... meestal niet kloppen.

Antwoord: redeneringen

ترجمه: من متوجه شده‌ام که استدلال‌هایش اغلب درست نیستند.

۶. Boris heeft momenteel geen geld meer op zijn rekening staan. Dit betekent dat hij een aantal betalingen moet ... totdat het salaris overgemaakt is.

Antwoord: opschorten

ترجمه: بوریس در حال حاضر پولی در حسابش ندارد. یعنی باید پرداخت‌هایش را به تعویق بیندازد تا حقوق واریز شود.

۷. Ik ben ... om je te geloven. Ik hoop dat je me niet teleur zult stellen.

Antwoord: geneigd

ترجمه: من مایلم که حرفت را باور کنم. امیدوارم ناامیدم نکنی.

۸. De kloof tussen de twee bevolkingsgroepen is helaas ... Er is zoveel gebeurd dat ze niet meer tot elkaar kunnen komen.

Antwoord: onoverbrugbaar

ترجمه: شکاف بین این دو گروه جمعیتی متأسفانه غیرقابل پوشش است. آن قدر اتفاق افتاده که دیگر نمی‌توانند به هم نزدیک شوند.

۹. De twee kinderen hadden ruzie gehad en kwamen hun moeder vertellen wat er gebeurd was. De ... van ieders verhaal was dat het de schuld van de ander was.

Antwoord: strekking

ترجمه: دو کودک دعوا کرده بودند و آمدند برای مادرشان تعریف کنند چه شده بود. مضمون حرف هر دو این بود که تقصیر با دیگری است.

۱۰. Wil je me laten weten hoe de operatie verlopen is? Op elk ... kun je me bellen op mijn mobiel.

Antwoord: tijdstip

ترجمه: لطفاً به من اطلاع بده عمل چگونه پیش رفت. در هر زمانی می‌توانی با موبایلم تماس بگیری.